

برندگان خردسال

فرزاد جاسمی

خزان ۱۳۸۷

.

به کودکان بی گناه و بی پناه میهنم!

برندگان خرد سال
فرزاد جاسمی
خزان ۱۳۸۷

بر اساس یک گزارش تخمینی که در روزهای پایانی سال ۲۰۰۸ میلادی «هفتم دی ماه ۱۳۸۷ شمسی»، توسط صندوق حمایت از کودکان (یونیسف) وابسته به سازمان ملل متحد، انتشار یافت، مشخص گردید که در دنیای تحت رهبری و فرماندهی نظام سرمایه داری، یک ششم کودکان جهان یا به عبارتی، ۱۵۸ میلیون نفر از کودکان جهان جزو کودکان کار محسوب می شوند! ۱۵۸ میلیون کودکی که در بخش های مختلف به کار گرفته و مورد استثمار و بهره برداری سودجویان قرار می گیرند.

گزارش های رسمی که از سوی نمایندگان یونیسف، در کشورهای عضو سازمان ملل متحد، به صندوق ارسال می گردد، بیانگر این فاجعه ی ضد بشری و غیر انسانی است که تعداد قابل توجهی از این کودکان که در رده های سنی ۵ تا ۱۴ سال دارند، توسط دارندگان قدرت و پادوهای معبد سرمایه خرید و فروش و به کار گمارده می شوند.

بر این اساس، میلیون ها کودک معصوم و بی پناه، چه در کشورهای پیشرفته و صنعتی و چه در کشورهای در حال توسعه و رشد بر خلاف میل باطنی و از روی ناچاری و درماندگی، از کانون های گرم خانواده های خود جدا شده و در معادن، کارخانجات، بخش خدمات و از همه فاجعه بارتر، بهره برداری

های جنسی و لذت های حیوانی عده ای انسان نما به کار گرفته می شوند تا بتوانند مخارج و هزینه های خانواده هایشان را که در حلقه ی نخست قربانیان نظام سرمایه اند، تأمین نمایند.

طی بررسی های پژوهشی و تحقیقاتی که در چند ساله ی اخیر، یعنی دوران ترک تازی نئولیبرال های اقتصادی و به اصطلاح دوران شکوفایی و ترک تازی بازار و جهانی شدن سرمایه، که با توجه به فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم واقعا موجود، سقوط و پارچه پارچه شدن اتحاد جماهیر شوروی و از همه مهمتر، سر در گمی و عدم کارایی و فعالیت های مستمر و هوشیارانه ی کمونیست ها که بدنبال فروپاشی اردوگاه دچار شوک شده بودند، انجام گرفته، زحمتکشان و اقشار پائینی جوامع بشری به وضعیتی فلاکت بار تر و دهشتناک تر از گذشته گرفتار شده اند! گرانی و فقر و گرسنگی در همه جا بیداد می کند! بیکاری هزاران بار بیشتر از پیش کارگران، زحمتکشان و اقشار کم در آمد جوامع را تهدید و به صفوف ارتش بیکاران می راند! تا جایی که اکثر خانواده ها، به ویژه آنان که دارای چندین و چند فرزندند، به دلیل عدم توانایی نگهداری و عدم قدرت پرداخت هزینه های زندگی فرزندان، مجبورند آنان را به دلالت و خریداران و فروشندگان انسان، یا برده فروشان عصر جدید، در ازای مبالغ بسیار ناچیزی بفروشند و یا با مایحتاج ضروری و قوت لایموت خانواده مبادله و معاوضه نمایند.

در همین گزارش سالانه ی صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) به این نکته اشاره شده است که کودکان بی گناهی که در آزمایشگاه های مواد سمی شیمیایی و معادن به کار اشتغال دارند، اغلب بر اثر تماس مداوم با مواد شیمیایی و بخارهای سمی و مهلک موجود در معادن، به انواع و اقسام

امراض کشنده مبتلا شده و خیلی سریع‌تر و زودتر از دیگر کودکان هم سن و سال خود، جانشان را از دست می‌دهند. در بیشتر موارد و به طور گسترده، دیده شده است که کارفرمایان و دلالان فرومایه ی انسان‌ها، که در راه خشنودی و رضایت خاطر خدای سرمایه، از انجام هیچ جنایتی رویگردان نیستند، مرگ فجیع و توأم با شکنجه و دردهای لاعلاج این کودکان را گزارش نمی‌دهند! و این امر سبب ساز می‌شود تا صندوق حمایت از کودکان (یونیسف) و دیگر سازمان‌ها و نهادهای مدافع حقوق کودکان که در سطوح منطقه‌ای و جهانی فعالیت می‌کنند، آمار درست و حقیقی‌ای از تعداد قربانیان خردسال نظام سرمایه، یعنی کودکان جان‌باخته در حین کار را نداشته باشند.

از نظر دور نداریم که در برخی موارد نیز خود دولت‌ها، بویژه رژیم جهل و جنایت جمهوری اسلامی و دستگاه خلیفه‌گری شیعه بنا به ماهیت جنایتکارانه، تبهکارانه و ضد بشری خود و همچنین علل گوناگونی نظیر مسایل سیاسی و امنیتی، از پخش و درز گزارش‌های مربوط به مرگ کودکان کار، نه تنها جلوگیری بلکه در صورت مشاهده و اطلاع با گزارشگران نیز برخوردی غیر انسانی و ضد بشری می‌نمایند.

بر کسی پوشیده نیست که در اکثر کشورهای آمریکایی لاتین، جنوب و شرق آسیا، ایران اسلامی و حتی برخی از کشورهای اروپایی و چند کشور تازه استقلال یافته شوروی سابق، کودکان و نوجوانان با فروخته شدن به دلالان انسان، به کارهای خلاف اخلاق گمارده می‌شوند! از سئواستفاده جنسی گرفته تا بهره‌برداری غیر انسانی و حیوانی در تهیه و توزیع فیلم‌های پورنو و سکسی‌ای که به همت نظام سرمایه و سرمایه‌داران دیو

سیرت، در همه جا و در وسعتی غیرقابل تصور به فروش می
رسند!

علاوه بر این، برخی از دلالان و برده فروشان عصر حاضر،
به کمک پاره ای پزشکان اهرمن خو و باندهای مافیایی متکی به
سرمایه داران و حکومت گران ضد مردمی، از اعضای بدن این
کودکان استفاده کرده و آنها را در بازار سیاه به فروش
می‌رسانند.



کودکانی که در خانواده‌های بسیار فقیر و بیسواد و یا در مناطق
روستایی زندگی می‌کنند، بیش از سایر کودکان در معرض خطر
فروخته شدن توسط والدین قرار دارند. فقر اقتصادی، بیکاری،
اعتیاد و از همه مهمتر فقر فرهنگی که با کمال تأسف دامن گیر
بیشتر خانواده های پر جمعیت شهری و روستایی بوده و است،
در این میان، نقش عمده و اساسی را بازی می‌کند.

در بازار بده فروشی دوران حاضر که با همت نئولیبرال های
اقتصادی، توانسته بازاری به وسعت جهان را تسخیر کند،
دختران کم سن و سال و نوجوان بیش از پسران توسط دلالان

انسان خریداری و پس از انتقال به بازار مصرف به فروش می‌رسند! چرا که دختران پس از خریداری نهایی توسط مصرف‌کننده کالا، علاوه بر اینکه به عنوان خدمتکار و کنیز مورد استفاده قرار می‌گیرند، از آنان به عنوان بردگان جنسی نیز بهره‌برداری می‌شود! البته این سرنوشت دخترانی است که کمی شانس داشته و در اختیار روسپی‌خانه‌ها و فاحشه‌خانه‌های عمومی قرار نمی‌گیرند! بگذریم از اینکه بسیاری از همین دختران پیش از فروش و در دوران انتقال، توسط قاچاقچیان انسان مورد تجاوز جنسی و انواع و اقسام استتمارهای غیر جنسی نیز قرار می‌گیرند.

بر اساس گزارش صندوق حمایت از کودکان (یونیسف)، وابسته به سازمان ملل متحد، مشخص شده که موضوع کار و شیوه بهره‌برداری از این کودکان، بر نحوه‌ی تحصیل این قشر آسیب‌پذیر که در شمار قربانیان نظام پلید سرمایه‌دار محسوب می‌شوند، تاثیرات نامطلوبی بر جای می‌گذارد! زیرا، زمانی که کودکی به فروش می‌رسد یا به عنوان نان‌آور خانواده جذب بازار کار می‌شود، تحت هیچ شرایطی قادر نخواهد بود همانند يك کودک عادی که در خانواده زندگی می‌کند و از یک زندگی نرمال برخوردار است، به تحصیل بپردازد.

طی يك آمار رسمی دیگر، نمایندگان یونیسف به این موضوع اشاره می‌کنند که اکثر کودکان کار، اگرچه به صورت علنی و آشکار به کار گمارده نمی‌شوند، اما مشخص شد که کارفرمایانشان از آن‌ها به صورت پنهانی و به عنوان پیشخدمت، خدمتکاران خانگی و یا پادو استفاده می‌کنند و در این صورت انجمن‌های حمایت از حقوق کودکان در کشورهای مختلف نمی‌توانند به مدرکی مستند برای گناهکار جلوه دادن آن‌ها دست بیابند.

البته این موضوع و اشاره نمایندگان یونیسیف بدان، گوشه ای از واقعیت موجود در جهان ماست! زیرا از عدم توانایی و نداشتن قدرت اجرایی مجموعه ی سازمان ملل متحد که بگذریم، دولت های سرمایه داری و عضو سازمان ملل متحد که ظاهراً قطع نامه ها و پروتکل های این سازمان جهانی در رابطه با منع کار و استثمار کودکان را عوامفریبانه و رذیلانه امضاء نموده اند، اعمال غیر انسانی و رفتارهای ضد بشری خود را زیر هزاران پرده ی استتار مخفی می نمایند و برای هر کدام از اعمال خلاف و ضد بشریشان میلیون ها کلاه شرعی دست و پا می نمایند!



برای مثال: طبق قوانین دولت اسلامی امارات متحده ی عربی، در حاشیه ی خلیج فارس، روسپیگری . فاحشگی در این کشور ممنوع و قابل تعقیب و پیگیری است! در حالیکه در همین سرزمین و تحت لوای اسلام ناب محمدی، هزاران هزار زن، از چهار گوشه ی جهان و از ملیت های گوناگون (از جمله ایران اسلامی و سرزمین امام زمان) به روسپیگری و فاحشگی مشغولند! قانون اسلامی موجود در امارات متحده ی عربی و

سنگ اسلام به سینه زدن شیوخ مرتجع این سرزمین، تنها مستمسکی است در دست دولتمردان اسلام پناه تا از ارائه هر نوع خدمات حقوقی، بهداشتی، بیمه ای و غیره در حق این تیره روزان و قربانیان سرمایه و اسلام طفره بروند و از زیر بار هر نوع مسئولیتی شانه خالی کنند!

بر اساس آمار و ارقام و مستندات سالانه صندوق حمایت از کودکان (یونیسف) وابسته به سازمان ملل متحد، نزدیک به ۶۹ میلیون کودک تنها در کشورهای آفریقایی که حدود یک سوم از یک ششم کل کودکان جهان را شامل می‌شوند، در اختیار دلالتان انسان و کارفرمایان قرار دارند و از آنها به عنوان نیروهای کار ارزان و یا مجانی در معادن و دیگر قسمت‌های جامعه استفاده می‌شود. در جنوب آسیا نیز ۴۴ میلیون کودک در اختیار کارفرمایان قرار دارند و جزو کودکان کار محسوب می‌شوند.

بنا به شواهد، آثار و اسناد موجود، انسان پس از گذر از رمه انسانی و آغاز شهرنشینی و تمدن تا کنون، به طور کلاسیک مراحل و دوره های گوناگون سیاسی - اجتماعی را پشت سر گذاشته و توده های محروم، یعنی اکثریت قریب به اتفاق جامعه، تازیانه و شلاق و داغ و درفش حکومت های مختلفی را تجربه نموده اند. جوامع بشری از آغاز تا کنون، از نظر اقتصادی، مرحله هایی چون کمون اولیه، برده داری، فئودالی و سرمایه داری موجود را دیده است!

به گواهی تاریخ، سرمایه داری، در آخرین مرحله ی رشد و دوران فساد و گندیدگی خود، که همانا دوره امپریالیستی است، مخوف ترین جنایات و دهشتناک ترین تبهکاری ها را، نه تنها در حق بشریت در بند، بلکه در ارتباط با محیط زیست و زادگاه بشر یعنی کره ی زمین، اعمال و بکار گرفته است!

این نظام غارتگر و جنایتکار که سابقه ی برافروختن دو جنگ ویرانگر و خانمانسوز جهانی را در چنجه دارد، در پی سود بیشتر و استثمار بیرحمانه ی اکثریت جامعه، نه تنها از انواع و اقسام نیرنگ ها و ترفندهای ضد بشری سود جسته، بلکه از اعمال شیوه های گذشته و سپری شده نیز نهایت سئو استفاده را نموده است!

یکی از این شیوه های طی شده و ظاهرا به تاریخ سپرده شده، شیوه تولید برده داری است! شیوه ی ردیلانه و ددمنشانه ای که نظام سرمایه، بدون توجه به سپری شدن عمرش، آن را از

گورستان تاریخ و مغاره های اشباح بیرون کشیده و پا به پای صنعت سکس و زن کالایی به خدمت گرفته تا به قیمت نابودی و اضمحلال و انقراض نوع بشر هم که شده، بر میزان سود و بهره کشی جنایتکارانه خود بیفزایید!



گسترش روز افزون بیکاری، فقر، گرانی، و دیگر پدیده های مخربی که زائیده نظام غارتگر و ضد بشری سرمایه بوده و هست، جامع را به سوی فساد و تباهی سوق می دهد. از بطن این فساد و منجلابی که روز به روز بر وسعت و ابعاد فاجعه بارش افزوده می شود، اعتیاد، فحشاء و سایر خصلت های ضد انسانی و ویرانگر سر برآورده نشو و نما می نمایند!

یکی از بزرگترین و مخرب ترین معضل جهان امروز، پدیده ایست شوم و نامیمون به نام کودکان کار و خرید و فروش آنان در بازارهای برده فروشی نوینی که با اتکا به نظام سرمایه داری رشد می کند و هر روز بیش از روز پیش بر رونقش افزوده می شود!

خرید و فروش کودکان در ابعدی چنین گسترده و جهان گیر، حاصل مجموعه‌است از غارت و چپاول سرزمین های دیگر، رشد بیکاری و فقر و عدم آشنایی با چهره دشمن واقعی بشریت که نتیجه جهل، بیسوادی و عقب ماندگی توده های دربند و اسیر سرمایه داریست!

سلطه ی چپاولگران جهانی و منطقه ای، بیکاری والدین و فقر روز افزون، مهمترین و فاجعه بارترین بلایی است که کودکان را در سراسر کره ی خاکی تهدید و هر روز تعداد بیشتری از آنان را به نابودی می کشاند.

طبق آمار و ارقام منتشره از سوی سازمان های وابسته به ملل متحد، بیش از یک میلیارد و دویست میلیون انسان در جهان امروز با درآمدی کمتر از دو دلار امریکایی در روز روزگار می گذرانند و به آنچه زندگی می نامند ادامه می دهند!

در چنین شرایط دهشتناکی، کودکانی که در این خانواده‌های پا به عرصه ی وجود می گذارند، بالاجبار به خاطر وضعیت اقتصادی نابسامان و فلاکت بار خانواده روی به بازار کار می آورند و در نتیجه از تحصیل سواد و برخورداری از یک زندگی نرمال باز می مانند!

و آنگاه که درآمد اندک و ناچیز این مزدوران خردسال نتواند چرخ اقتصاد ویران شده ی خانواده را به حرکت در آورد، خانواده‌ها به سادگی در دام تبهکاران و مافیاهای موجود افتاد و فریب قولهای سراپا دروغ و فریب دلالان و سوداگران بی همه چیزی را می خورند که به خاطر پولی ناچیز و پر رونق نگاه داشتن شوکت و عظمت معبد متعفن سرمایه، دست به هر جنایتی می زنند! دلالان و سوداگرانی که همچون گرگان گرسنه و کفتارهای حریص در کمین اند و هدفمندانه به دنبال قربانیانی بیگناه می گردند!

برده‌داری به معنای سئو استفاده‌ی ظالمانه‌ی اقتصادی از افراد است. بدون آنکه پولی به فروشنده‌ی نیروی کار و تولیدکننده‌ی نعم مادی پرداخت شود. در چنین شرایط ستمگرانه و غارتگرانه‌ی ای برده دار نحوه زندگی بردگان خریداری شده‌ی خود را به شدت کنترل و نسبت به آنان با خشونت رفتار می‌کند.

در دنیای امروز، بردگی به شکلهای گوناگون ظهور می‌کند. که علت پایه‌ی ای و اساسی آن همچون گذشته‌های دور فقر و بیچارگی انسان‌ها است. در شرایط طاقت فرسای زندگی و زمانی که گرسنگی حلقوم توده‌ها را در چنگال بیرحم خود می‌فشارد و دولت مردان ضد بشری تنها به چپاول و غارت خود می‌اندیشند، باندهای سازمان یافته‌ی (بیشتر با اتکاء به دولت و رهبران و پیشوایان حکومتی)، چون قارچ سمی نشو نما می‌نمایند و قدرت می‌گیرند که خرید و فروش انسانها را تبدیل به راهی برای رسیدن به درآمدهای هنگفت و باد آورده می‌نمایند!

امروزه تجارت سکس، یکی از پر درآمدترین رشته‌های بازرگانی و تجارت تبه‌کاران و مافیاهای قدرتمند متکی به دولت‌های مرتجع و ضد مردمیست! در حوزه فعالیت این تجارت جدید، زنان و کودکان کشورهای فقیر قربانیان اصلی اند!

همانطور که قبلاً هم نوشته‌ام، بر اساس گزارشهای مکتوب و گفته‌ی شاهدان عینی، سالیانه تعداد زیادی از دختران و زنان جوان ایرانی را در بازارهای برده‌فروشی فجیره به حراج می‌گذارند یا روانه‌ی کشورهای شیخ‌نشین خلیج فارس فارس به ویژه امارات متحده عربی می‌نمایند تا به روسپیگری و فاحشگی به پردازند!

در دیگر نقاط جهان نیز، چنین فاجعه‌ی ادامه دارد! مثلاً دختران و زنان جوان خانواده‌های فقیر کشورهای اروپای شرقی را با وعده‌ی کار مناسب و پر درآمد یا تحصیل اغوا می‌کنند و

پس از کشاندنشان به اروپای غربی و بهشت سرمایه داری، به روسپیگری وا می دارند!

به استناد شواهد عینی و گزارش های منتشر شده از کشوری چون ایران که تعدادی از سردمداران رژیم، سپاه پاسداران، داسراهای انقلاب اسلامی، مافیاهای وابسته به بیت رهبری و دستگاه خلیفه گری شیعه و غیره، در کار خرید و فروش کالای انسانی و حراج آنها در بازارهای « الفجیره »، کویت، شارجه، دهران و دیگر نقاط جهان هستند، دلالت و سوداگران، به خانواده ها قول می دهند که فرزندشان در شهر یا شیخ نشینی های حاشیه خلیج فارس به عنوان خدمتکار در خانه ی انسانی نسلمان و متمول مشغول به کار شده، تحصیل خواهد کرد و در نهایت با آینده ای روشن و تابناک ازدواج می نمایند. با چنین وعده هایی، پدران و مادران تن به معامله فروش فرزند داده و با مبلغ پولی که دریافت می کنند و رؤیای آینده ی درخشان فرزند، درد خود را التیام می بخشند! کودکانی چنین، پس از جدایی از محیط خانواده و وارد شدن به دنیای جدید، مرعوب تهدیدها و آزار و اذیت های روحی و جسمی آدم فروشان شده و به خواست های حیوانی و ددمنشانه ی این جنایتکاران منفعت جو گردن می نهند!

هر نوع سئواستفاده و بهره برداری از کودکان که سرمایه و آینده سازان جامعه بشری محسوب می شوند جنایت در حق بشریت و تغییر ظالمانه ی سرنوشت کره ی خاکبست! بویژه خرید و فروش آنان که گامیست واپسگرایانه و در جهت عکس حرکت تاریخ! رونق دهندگان این تجارت ظالمانه و در رأس آنان، نظام ضد بشری و آدمیخوار سرمایه داری، می بایست مورد محاکمه و قهر انقلابی همه ی آزاد اندیشان، بشر دوستان و در رأس همگان، کمونیست ها و طبقه ی کارگر قرار گیرند!

به گمان من، در دنیای امروز که با وجود رسوایی تمام عیار سرمایه داری و تئوریسین ها و اقتصاد دان های نئولیبرال‌ش، در بحرانی فزاینده و دهشتناک فرو رفته، هیچ موجود زنده یا وسیله و ابزاری مانند کودکان مورد سئواستفاده و ستم روز افزون قرار گرفته باشد!

در سراسر جهان، علاوه بر اینکه میلیونها کودک در کسب درآمد برای خانواده سهیم‌اند، عده زیادی از آنان نیز قربانی سود ورزی و اختلاف های احمقانه و جاهلانه ی پدران و مادران بی فرهنگ و عدم آشنا با روح مردمی و انسانیت قرار می گیرند! تا آنجا که به ما ایرانیان، یعنی نوادگان و فرزندان کورش و داریوش مربوط است، در غرب و در مرکز دموکراسی سرمایه داری، با چهار دسته از کودکانی روبرو می شویم که قربانی بی فرهنگی و حماقت های ذاتی مدعیان فرهنگ و ترقی نوع ایرانی شده اند:

۱ - دسته ی نخست کودکانی که تنها به دلیل سود ورزی و آینده نگری بانوان فرهیخته و مدعی فرهنگ و دانش بیگران پا به عرصه ی هستی گذاشته اند! بدین معنی که مادر با حامله شدن از مردی که موقعیت اقتصادی متوسطی داشته و می توان او را سرکیسه نمود، خود را بیمه ی عمر نموده و موجودی بدون آینده و بی ریشه را مورد بهره برداری رذیلانه و سوجویانه ی خود قرار داده است! موجودی که بی خبر از حساب بانکی مادر و مبلغ ناچیزی که ماهیانه به حسابش ریخته می شود، در آرزوی دیدار پدر فراری و و گریزان میسوزد و با دنیایی کینه، تحقیر، توهین و سرکوفت بزرگ میشود!
برای مثال:

بانویی فرهیخته، بدون توجه به توصیه های دوست پسر جوان خود، از وی حامله و فرزندی به دنیا آورده است. پدر طبق قوانین کشور محل سکونت خود، یعنی به اجبار و با این شرط که هیچگاه فرزند خود را نبیند، ماهیانه مبلغی از درآمدش را به حساب مادر واریز می کند! کودک در حسرت دیدار پدر و دیگر اعضای خانواده یا شنیدن صدای آنان در موقع سالروز تولد و غیره، آن هم از طریق گوشی تلفن می سوزد! و مادر دانشمند و پر مدعا، راضی از دریافت همین مبلغ، فرزندش را وادار می کند تا دوست پسران رنگ و وارنگش و موسمی او را پدر خطاب نماید! و از آنجا که این نسخه در دراز مدت نتیجه ای ببار نمی آورد، روزی از روزها، به کمک برادران مکتبی و دیو سیرتان جا خوش کرده در جاسوسخانه های جمهوری جهل و جنایت و سند ازدواج تقلبی ای که همین جنایتکاران در اختیارش گذشته اند، کودک خود را به ایران می برد و راهی خانه ی پدر و مادر جوان می شود. با این امید که با به بازی گرفتن احساسات آنان، خویشتن را از غر زدن ها و آه و ناله ی فرزند برهاند! و در آنجا، با شنیدن جمله ی «توله سگت را بر دار و از اینجا برو! ما آبرو و حیثیت داریم!» آن هم از زبان مادر بزرگ کودک، آتش خشم، نفرت و کینه ی کودک را بیش از پیش شعله ور تر می سازد!

۲ - دسته دوم، کودکان بیگناهی هستند که بر اثر اختلاف پدر و مادر ربوده و توسط یکی از والدین به ایران (بیشتر ایران) یا دیگر کشورها برده شده اند! پاره ای از این والدین انسان دوست و با فرهنگ که در برخورد با عناصر خارجی و همفکران و همپالکی های خود و احیاناً طعمه های قابل صیدی که در نظر دارند، بی بند و باری و فساد بیش از حدشان را به حساب روشنفکری و ترقیخواهی خود و خانواده های بیسواد،

طماع، پول پرست و احمق شان می گذارند، تا آن حد از شرف و حیثیت انسانی به دور و بیگانه اند که هنگام مسافرت به ایران اسلامی، حاضر به دیدار فرزند ربوده شده ی خود توسط طرف مقابل نیز نیستند! حتی اگر مدت زمانی ده ساله از آخرین دیدارشان گذشته باشد!

۳ - دسته ی سوم، کودکانی هستند که پدران و مادرانشان پس از سال ها زندگی در بهشت سرمایه داری و دفاع از آزادی و برابری و حقوق انسان های در بند، آنان را به امان خدا رها نموده و خود به دامن پر مهر و محبت اسلام و خلیفه ی شیعیان جهان باز گشته اند! این قربانیان نگون بخت، بیشتر جذب باندهای مافیایی، سرقت، توزیع و پخش مواد مخدر یا روسپی خانه های مدرن و شیک اروپایی شده اند!



۴ - و دسته ی آخر، کودکانی که در آغاز نو جوانی تصمیم به خودکشی می گیرند تا خود را از شر حیات و ننگ زندگی نکبت

بار و سراسر فساد پدران و مادرانی که آموزگاران کبیر اخلاق و فرهنگ نیز هستند برهانند!

و این طاعون، از آنجا ناشی و چون سرطان رشد می کند که ماها بویژه بانوان که بدون تعارف از جامعه ای سرکوب شده، دیکتاتوری زده، اسلام زده و بی فرهنگ می آئیم، به سرعت مرعوب زرق و برق فریبنده و دروغین دنیای سرمایه داری شده و سیاست زن کالایی این نظام را به حساب آزادی های فردی و اجتماعی اش گذاشته و به کمک پادوهای مزدور سرمایه و جیرخواران ارزان قیمت آن که بی شباهت به ملاهای وابسته به دستگاه خلیفه گری شیعه نبوده و ساعت ها در باره ی فواید و مزایای زندگی مستقل، همجنس بازی، همخوابگی آزاد و لذت بیکران از چند روزه ی عمر داد سخن می دهند، بیدرنگ در باتلاق متعفنش غرق میشویم!

طبق آمار و ارقام رسمی (نه واقعی و بدون دخالت و توطئه گری های دولت های پاسدار سرمایه)، حدود دویست و پنجاه میلیون کودک پنج تا چهارده ساله در سراسر دنیای گرفتار در چنگال سرمایه داری چپاولگر و بیگانه ۸ با انسانیت و مردمی به کار مشغولند. از این عده، حدود شصت میلیون شان که بیشتر در کشورهای اسلامی (ایران، پاکستان، بنگلادش ...) به سر می برند، در شرایطی بس طاقت فرسا و بیشتر در پوشه و کنار خیابان ها و زیر پل ها روز و شب می گذرانند. بدون گفتگو، آنان برده های معصوم و بی پناه دنیای خشن و بیرحم ما هستند! برده های کوچولو و بیگانه‌ای که آنان را چون دیگر کالاهای تولیدی نظام سرمایه داری، درون بازار خرید و فروش می کنند و سود سرشاری به دست می آورند!

نظام برده داری، نظامیست ماقبل فئودالی که بر اثر پایداری و انقلاب ها و قیام های خونین روشنفکران و بشر دوستان مترقی

و خود بردگان (قیام اسپارتاکوس، زنگیان و ...)، به گورستان تاریخ سپرده شده است. و از آنجا که نظام سرمایه داری، این نظام و نظام فئودالی را با همه ی قوانین، آداب و رسوم و شیوه ی تولیدشان، مانع حرکت و شکوفایی خود می دید، در صدد قطع ریشه های آن ها بر آمد و در سراسر گیتی، شیوه تولید برده داری و مناسبات آن را ممنوع اعلام نمود! اما از آنجا که این نظام بهره کش و استثمارگر نیز به مرحله گنبدگی و از هم پاشیدگی نزدیک شد، در یک برهه ی خاص تاریخی، چون دیگر اندیشه ها و تفکرات ضد مردمی و ضد بشری، به واپسگرایی و احیا نمودن سنت های کهنه و منقرض شده روی آورد! همان گونه که روحانیون و تئوری پردازان وابسته به دستگاه خلیفه گری شیعه در ایران، دم از اسلام ناب محمدی و بهشت دروغین صدر اسلام و عدالت بی نظیر مولا علی می زنند، نظام سرمایه نیز به اندیشه ی زنده نمودن برداری نوین در پوشش نئولیبرالیسم، نظم نوین جهانی، جهانی شدن سرمایه، سیاست بازار و غیره افتاد و در سایه فقر و فلاکت روز افزون و حمایت دولت های مرتجع و سرکوبگر و اندیشه های پوچ و کاذبی که از گورستان تاریخ و غارهای اشباح وهم و خرافات به عاریت گرفته شده بودند، در این راه موفق شد. بطوریکه در جهان امروز، میلیونها انسان در شرایط بندگی و وابستگی مطلق به کار بردگی و مزدوری ارزان قیمت روزگار می گذرانند!

ستمی که سرمایه داری موجود، در عصر حاضر بر کودکان جهان، بوزه بردگان خرد روا می دارد، در هیچ برهه ای از تاریخ، حتی دوران برده داری، جنگ های صلیبی و قرون وسطا نیز سابقه نداشته است!

دینتر گارلیش مدیر یونیسیف (سازمان حمایت از کودکان وابسته به سازمان ملل متحد)، در باره وضعیت رقت انگیز امروزی کودکان می گوید:

« هر روزه در آسیا و افریقا سه هزار کودک قربانی خرید و فروش می شوند. پس از معاملات اسلحه و مواد مخدر، خرید و فروش کودکان احتمالاً از سودآورترین معاملات در جهان است که از آن میلیاردها دلار درآمد حاصل می شود. و این یکی از شدیدترین موارد نقض حقوق بشر است.»

طبق برآورد سازمان یونیسیف تنها در قاره ی آسیا هر ساله يك ميليون کودک دختر و پسر و ادار به روسپیگری می شوند. نتیجه تحقیق و پژوهشی که از سوی دانشگاه آزاد برلین (پایتخت جمهوری فدرال آلمان) صورت گرفته، بیانگر این حقیقت تلخ است که هر ساله حدود چهار صد هزار آلمانی با هدف شهوترانی، سکس و مسائل جنسی به خارج از آلمان و عمدتاً کشورهای فقیر آسیا، امریکای لاتین و غیره سفر می کنند! چهارصد هزار نفری که به اصطلاح توریست های سکس هستند و به بازار پر رونق بی بند و باری آلمان و اروپا قانع نیستند!

مارژی دو مونشی، مدیر دفتر یونیسف در تایلند، در باره مشاهدات خود از این کشور فقیر و عقب مانده آسیایی چنین می‌گوید:

« ما می‌دانیم که تمایلی وجود دارد تا هر چه بیشتر از دختران جوان برای روسپیگری استفاده شود. وجود این تمایل از جمله به این باور آسیاییان برمی‌گردد که روابط جنسی با دختران باکره به مرد نیرو و خوشبختی می‌بخشد.»

وی در رابط با علت سئو استفاده جنسی از کودکان می‌گوید:

« در ضمن بسیاری از مشتریان به خاطر خطر ابتلا به بیماری ایدز کودکان را ترجیح می‌دهند. این مشتریان در پی آن هستند که رابطه جنسی مطمئنی داشته باشند. اما برای آنها مهم نیست که آیا در نتیجه عمل آنان صدمه ای متوجه کودکان می‌شود یا نه.»

نمی‌توان به راحتی تشریح کرد و توضیح داد، کودکانی که همانند کالا خرید و فروش می‌شوند و سپس مورد سئو استفاده های جنسی قرار می‌گیرند، از نظر جسمی و روانی متحمل چه آسیب های مخرب و ویرانگری می‌شوند!

مارژی دو مونشی معتقد است که:

« کودکان به لحاظ روحی و جسمی غارت می‌شوند. بسیاری از آنان با مشکلات فراوان جسمی نزد ما می‌آیند. در برخی موارد بسیار وحشیانه با آنان رفتار شده است. مثلاً دختران را عمل می‌کنند تا دوباره باکره به نظر آیند و بتوان بار دیگر آنان را به بهای هنگفت در اختیار مشتری قرار داد. من دخترانی را می‌شناسم که نمی‌توانند بچه‌دار شوند چون به آنان بسیار آسیب وارد آمده است. حتی مواردی را می‌شناسم که دختران را به زور به دست جراح زیبایی سپرده‌اند تا مثلاً بینی‌شان شبیه به بینی زنان اروپایی شود و برای مشتریان جذابتر باشند.»

متأسفانه این پدیده ی ضد انسانی و کاملاً حیوانی، نزد پاره ای از باتوان فرهیخته ی ایرانی مقیم اروپا نیز رواج دارد. با این تفاوت که اینان قربانیان خود را از میان دختران جوان بستگان و فامیل بر می گزینند! با هزاران حيله و ترفند آنان را به خانه های محل سکونت خود یا دیگر اعضاء همفکر فامیل می کشانند! با مهر و محبتی مادرانه مست شان می کنند و در پایان در آغوش مشتریانی که هزینه ی بالایی نیز پرداخت نمی کنند، می اندازند!



علاوه بر آن، خرید و فروش کودکان تنها مشکل کشورهای به اصطلاح در حال توسعه و عقب مانده ی جهان سوم نیست. بر اساس گزارش یونیسف، خرید و فروش کودکان در سراسر

جهان گسترش یافته است! بطوریکه در کشورهای اروپا یی نیز این پدیده ی شوم و ضد بشری در حال توسعه است. بیشتر کودکان اروپایی که خرید و فروش می‌شوند، از اروپای شرقی و کشورهای کمونیستی سابق هستند که به دنبال از هم پاشیدگی اردوگاه سوسیالیسم واقعا موجود و یکه تاز شدن سرمایه داری، در همه ی عرصه ها، از مواهب نظام سرمایه و دمکراسی مسلط بر این نظام آدمخوار بهره مند شده اند! تجار برده و قاچاقچیان انسان، بیشتر کالاهای انسانی خود یعنی کودکان را از این کشورهای از هستی ساقط شده و به ویژه کشور آلبانی، که یکی از فقیرترین کشورهای اروپائیس، ر بوده و سپس از طریق کشتی به ایتالیا برده و از راه ایتالیا به اروپای مرکزی و شمالی منتقل می نمایند.

این کودکان ر بوده شد، در اروپا، و از جمله در جمهوری فدرال آلمان، به روسپیگری و فحشاء کشانده می‌شوند یا وادار به پخش و توزیع مواد مخدر، دزدی از فروشگاهها و جیب بری می‌گردند! تعدادی نیز شانس آورده و به کسانی فروخته می‌شوند که آنان را بعنوان فرزند خوانده می پذیرند!

اگر چه منشورها و پیمان نامه های فراوانی از سوی سازمان ملل متحد و دیگر سازمان های مدافع حقوق کودکان، در باره عدم بهره برداری و بهره کشی از این آینده سازان جامعه ی بشری و حفظ حقوق انسانی آنان به تصویب رسیده و صادر گردیده است، اما با کمال تأسف هیچکدام از آنان در عمل اجرا نشده و مورد حمایت کشورهای عضو سازمان و متعهدین به این منشورها قرار نگرفته است!

آن هم به این دلیل ساده که تنها تصویب و ابلاغ منشورها و قطع نامه ها در جنگل مولای چپاول و غارت سرمایه داری رهگشا و چاره گر نبوده و نخواهد بود! و تا زمانی که فقر و فلاکت و

بدبختی ریشه کن نشود و مورد درمان قرار نگیرد، از موعظه و پند و اندرز کاری ساخته نیست!

سازمانهایی چون یونیسف، در چهارچوب نظام سرمایه داری، یعنی همان نظامی که از تجارت و خرید و فروش کودکان و کار ارزان و برده وارشان سود اندوزی می نماید، ناچارند بنا به وظیفه انساندوستانه شان با خانواده‌های فقیر ارتباط برقرار کنند و با روشنگری و افشاگری در باره ی ماهیت و قولهای دروغین سوداگران کودکان جلوی پدیده خرید و فروش کودکان و کار های طاقت فرسای آنان را بگیرند.

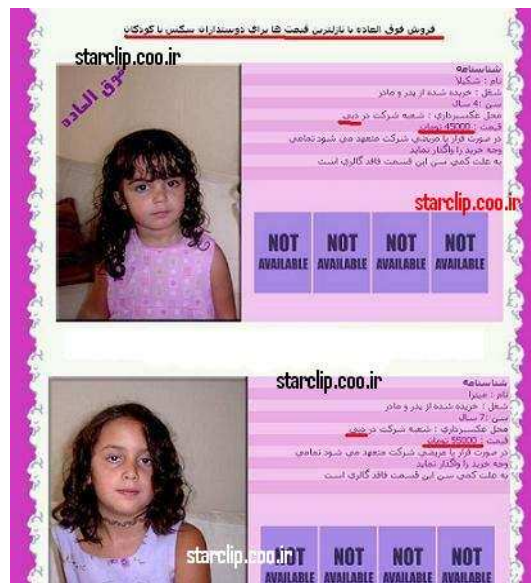


اما تا هنگامی که سلطه ی سرمایه داری بر چیده نشود و کودکان از حمایت دولت های قدرتمند مردمی و توده ای بر خوردار نشوند تلاش و کوششهای سازمانهایی چون یونیسف و غیره تاثیری حتی به صورت باز دارنده و مسکن در وضعیت موجود کودکان نخواهد داشت و این بردگان خرد کماکان در ردیف نخستین قربانیان پدیده جهانی شدن سرمایه خواهند بود.

پدیده‌هایی چون تجارت و خرید و فروش کودکان، کودکان کار و خیابانی، و دیگر معضلاتی که بر سر راه کودکان دهان گشوده و آینده‌ی آنان را تیره و تار می‌کند، یکی از نشانه‌های بارز و تکان‌دهنده‌ی ایست که چهره‌ی کریه و پلید و ماهیتِ ضد انسانی و ستمگرانه‌ی نظام سرمایه‌داری را بیش از پیش عریان و به نمایش می‌گذارد! مناسبات شیوه تولید سرمایه‌داری، که بر بهره‌کشی و استثمار بیرحمانه‌ی کارگران و زحمتکشان فکری و یدی بنیان نهاده شده، با انباشت سرمایه و تمرکز ثروت و رفاه در یک قطب جامعه و انباشت فقر و محرومیت و ناداری در قطب دیگر، تهدیدی بزرگ علیه بشریت در بند و تباهی و نابودی سیاره‌ی ما محسوب می‌شود!

در جوامع سرمایه‌داری و اقمار وابسته بدان، میلیون‌ها کودکی که هر سال بر شمار آنان افزوده می‌شود، به دلیل بیکاری والدین و رشد روزافزون فقر و تنگدستی در بین اقشار کم درآمد جامعه، به جای برخورداری از یک زندگی انسانی و آموزش و تحصیل در مدارس و آموزشگاهها، از همان اوان کودکی، یعنی پیش از رسیدن به سن دبستان، راهی بازار بیرحمانه‌ی کار می‌شوند و به ناگزیر، به صف ارتش استثمار شوندگان سرمایه می‌پیوندند. در توصف ابعاد فاجعه برانگیز استثمار و بهره‌کشی کودکان و به تصویر کشیدن خشونت و بیرحمی ضد انسانی نظام سرمایه‌داری، همین بس که گفته شود آمار کودکان کار و خیابانی در سراسر جهان، از رقم ۳۰۰ میلیون نفر تجاوز کرده و تا پایان سال نو مسیحی بر این تعداد به نحو قابل توجهی افزوده خواهد شد!

از مجموع این سی میلیون نفر، بنا به گزارش یونیسف، بیش از ۲ میلیون نفرشان، که بین سنین ۸ تا ۱۵ سال قرار دارند، برای امرار معاش خود و تامین هزینه های کمر شکن خانواده هایشان مجبور به خود فروشی بوده و یا نا خواسته مورد حمله های جنسی قرار می گیرند. یونیسف، در گزارش تکان دهنده و فاجعه بار خود، از ۲۰ کشور جهان با عنوان « سرزمینهای سیاه توریسم جنسی نوجوانان » نام برده که از این تعداد، کشورهای چین، هند، برزیل، مکزیک، تایلند، پاکستان، روسیه، دومینیک، کامبوج و برمه در صدر قرار دارند.



در گزارش یونیسف به ملیت افرادی نیز که بیشترین تمایل را برای هم خوابگی شهوت رانی با نوجوانان داشته و بدان مبادرت می ورزند اشاره شده است که در رأس آنها به ترتیب

ایتالیایی ها، هلندی ها، آلمانی ها، فرانسوی ها، ژاپنی ها و امریکایی ها قرار دارند.

با این حال ایتالیایی ها از جمله افرادی هستند که از انگیزه ی فوق العاده زیادی برای سوء استفاده جنسی از کودکان برخوردارند! بطوریکه سالیانه ۸۰ هزار نفر ()مهوری فدرال آلمان، چهارصد هزار نفر)، از این کشور برای سوء استفاده جنسی و لذت های حیوانی از نوجوانان به آسیا، افریقا و امریکای لاتین سفر می کنند.

هر ساله کودکان و نوجوانان زیادی در سراسر جهان در معرض سوء استفاده های جنسی قرار می گیرند که نشان دهنده ی بحرانی جهانی درباره حقوق کودکان و نوجوانان است.

یونیسف، در گزارش تکان دهنده ی خود می افزاید که:

« روند سوء استفاده جنسی از کودکان و نوجوانان به قدری نگران کننده است که در صورت عدم تدبیر تمهیدات جدی برای حل این مساله ابعاد آن مصیبت بار خواهد بود ».

این گزارش فاجعه بار و تکان دهنده که ماهیت نظام سرمایه داری و دیو سیرتی سردمداران و تئوری پردازان آن را به خوبی به نمایش می گذارد، تاکید می کند که مشتریان این کودکان بیشتر افراد غیر بومی بوده و در اصل متشکل از جهانگردانی هستند که در مدت حضورشان در کشور مقصد این کودکان را برای هم خوابگی و لذت های جنسی بر می گزینند! بر اساس همین گزارش:

« سالانه بیش از ۵ میلیون نفر از کشوری به کشور دیگر سفر می کنند تا با نوجوانان رابطه جنسی برقرار کنند ».

پژوهش گران و محققان بر این باورند که صنعت توریسم جنسی نوجوانان، در کنار صنعت تجارت دختران و زنان جوان که سالیانه مبلغی در حدود هفت میلیارد دلار امریکایی، تنها نصیب

سردمداران و دولتمردان رژیم صهیونیستی اسرائیل می کند، در حال توسعه و گسترش بوده و بازار پر منفعت آن سالانه نزدیک به ۵ میلیارد دلار گردش مالی را در بر می گیرد.

کشور کامبوج در شرق آسیا و در همسایگی ویتنام، یکی از فقیرترین و بدنام ترین کشورهای جهان در حوزه قاچاق جنسی کودکان است و از همین رو به مقصدی محبوب برای کودک آزاران و سایر توریست های جنسی مبدل شده است. در این کشور طاعون زده و حتی در دیگر نقاط جهان، قاچاقچیان و دلالان و تجار سکس، اغلب اوقات این نوجوانان را به مواد مخدر معتاد می کنند. یکی از این نوجوانان کامبوجی به یک امدادگر بین المللی گفته که پس از مصرف مواد مخدر احساس آزادی کامل می کند!



امدادگران و پژوهشگران بین المللی که عمدتاً به طور ناشناس و تنها در پایتخت کشورهای مقصد کار می کنند و در میان خیابانهای نکبت بار و پر رفت و آمد پرسه می زنند، در مراکز این شهر ها روسپی خانه های زیادی را مشاهده کرده اند که در

بین گردشگران و توریست های جنسی، از محبوبیتی خاص برخوردارند! در این روسپی خانه ها نوجوانانی زیر ۱۵ سال اشتغال دارند که سرنوشت شان برای مشتریان این تجارت کثیف و حیوانی نه تنها اهمیتی ندارد بلکه باعث خشنودی و مسرت آنان نیز می گردد.

یک سازمان ایتالیایی مدافع حقوق کودکان و نوجوانان، موسوم به « خود فروشی کودکان را پایان دهید » در بررسی های تحقیقاتی خود حول این موضوع اعلام کرده کسانی که برای هم خوابگی با نوجوانان به دیگر کشورها سفر می کنند سن و سال نسبتا کمی داشته و سن شان معمولا از ۳۰ سال تجاوز نمی کند. در این تحقیق که از آن با نام **حمله جوانان به نوجوانان** نام برده شده تاکید گردیده که برقرار کنندگان رابطه با نوجوانان عموما در زمره افشار طبقه متوسط بوده و نه ثروتمند و فقیر میباشند. نتیجه تحقیق و بررسی و ادعای این سازمان ایتالیایی هر باشد، آمارهای جهانی و گزارش های « یونیسف » صندوق حمایت از کودکان و نوجوانان وابسته به سازمان ملل متحد، در خصوص تجاوز به کودکان بسیار نگران کننده تر است. بر اساس اعلام مراکز بشر دوستانه این وضعیت در کشورهای توسعه نیافته به شدت محسوس بوده و در این راستا نوجوانان و کودکان زیادی قربانی حمله جنسی ناخواسته قرار می گیرند.

در گزارش اخیر سازمانهای حقوق شهروندی، کشور اسلامی افغانستان نیز در زمره کشورهایایی بوده که کودکان و نوجوانان آن به زور مورد حمله متجاوزین مسلمان و عمدتا مجاهد قرار گرفته و می گیرند.

در کشورهای اسلامی مصر، عراق، یمن، مراکش و الجزایر نیز نوجوانان و کودکان زیادی حتی در معرض تجاوز و آسیب جنسی از سوی پدر یا برادران بزرگتر خود قرار می گیرند که

مهمترین آسیب در این راستا عدم طرح و افشاء شدن موضوع به خاطر ترس از تعصب های خشک مذهبی و خشونت های بیشتر از سوی والدین مسلمان است.

در کشور امام زمان و با زعامت آیت الله سید علی حسینی خامنه و رئیس جمهور مهرورز، یعنی آقای دکتر محمود احمدی نژاد، اوضاع و احوال از هر کجای جهان خراب تر و اسف انگیز تر است! اما به دلیل اختناق شدید و سرکوب بیرحمانه ی مصلحان جامعه، روشنفکران، نویسندگان، روزنامه نگاران و غیره اخبار و اطلاعات مربوط به فساد و منجلابی که دین فروشان به راه انداخته اند و ستمی که در حق مردم، بویژه کودکان کار و خیابانی روا می دارند، کمتر به خارج و در سطح جامعه منعکس و پخش می شود!

خجسته حسینی پور، مؤسس انجمن حامیان کودکان خیابانی به گزارشگر خبرگزاری ایلنا می گوید که کودکان خیابانی به طور فزاینده ای مورد تجاوز جنسی قرار می گیرند و اگر دختر هستند، حامله می شوند! وی صراحتاً اعلام می دارد که:

« اخیراً نوزدانی که از این تجاوزها و روابط نامشروع به دختران خیابانی بی سرپرست دنیا می آیند، شدیداً افزایش یافته است.»

حسینی پور، با اشاره به رشد سنی کودکان کار و خیابان به سمت جوانی، در مورد افزایش تولد نوزادان خارج از چارچوب خانواده از سوی این افراد هشدار می دهد و می گوید:

« تا کنون ۱۰ سال از بروز پدیده کودکان کار و خیابان در ایران می گذرد و کودکان سال های پیش به جوانانی تبدیل شده اند که به علت محرومیت از حمایت های دولتی، از داشتن زندگی خانوادگی سالم بی بهره اند.»

وی که از شرافت انسانی بهره مند و همچون هزاران ایرانی

وطن پرست دیگر نسبت به افراد جامعه ی خود احساس مسئولیت می نماید، قربانیان جامعه ی آخوند زده و دین بر باد داده را نه ارادل و اوباش و نه مغل جامعه و منحرف بلکه موجوداتی قربانی شده و دارای پایگاهی انسانی در بین با شرف ترین اقشار جامعه می خواند و با شهادتی انسانی اعلام می دارد که:

« این افراد از باشرافت ترین اقشار جامعه هستند اما در شرایطی که هیچ گونه تربیت و آموزش صحیحی در مورد آنها صورت نمی گیرد بسیاری به مردان و زنان خیابانی تبدیل می شوند.»

او مصداق سخنان خود را افزایش تعداد کودکان خردسال خیابانی در سال جاری نسبت به سال های اخیر دانسته و می گوید:

« افزایش کودکان آنقدر زیاد است که به طور عینی می تواند مشهود باشد. رئیس هیات مدیره انجمن حامیان کودکان کار و خیابان با این توضیحات از آنچه «عملکرد ضعیف دستگاه های مسوول در برابر این کودکان» خواند انتقاد و اضافه کرد: با این وجود آمار بزه در کودکان کار و خیابان نسبت به آسیب هایی که با آنها دست به گریبان هستند بسیار پایین تر است و در واقع این افراد در مقایسه با بسیاری از گروه ها کمترین تهدید را به جامعه وارد می کنند.»

حسینی پور از سوی دیگر از نبود هیچ گونه آمار در زمینه کودکان خیابانی ابراز ناخرسندی می کند و دردمندانه می گوید: « آمارگیری در این مورد باید در قالب طرحی ملی و ضربتی انجام شود.»

او، مانند بسیاری از انسان های شرافتمند و میهن پرست دیگر که از ماهیت ضد بشری نظام سرمایه داری بی خبرند و با وجود

گذشت سی سال از حکومت ننگین ملایان، بر باورهای خود پای می فشارند و ساده لوحانه می پندارند که از این امام زاده ی نیرنگ و فریب و توطئه و عوامفریبی معجزه ای بر می خیزد، به بروز چالش‌های جدید ناشی از گذشت زمان و افزایش سن کودکان خیابانی اشاره می کند و می افزاید:

« باید تمام مسوولان دولتی و غیردولتی از هم‌اکنون اقدامات پیشگیرانه و درمانی برای بروز این چالش‌ها انجام دهند. »
صادقانه باید پرسید، کجایند آن غیرتمندان، علمای دین و زاهدان غرقه پوشی که بر فراز منابر، ربودن خلخال از پای زنی یهودی را در دوران خلافت مولای خود علی ابن ابیطالب را موجب ننگ و سرافکندی مسلمین و گناه نابخشودنی حکومت اسلامی می دانستند و روزی چندین بار این قصه ی عوامفریبانه را نشخوار می فرمودند؟



به گزارش « زنان امروز»، وزارت امور خارجه ایالات متحده امریکا در گزارش سالانه ی خود در باره قاچاق انسان ها، با استناد به مدارک و اسناد جمع آوری شده، ایران تحت حاکمیت

ملایان وابسته به دستگاه خلیفه گری شیعه را میدا، مقصد و مکانی برای ترانزیت قاچاق انسان معرفی کرده است.

گزارش می افزاید که: [« مارک لاگون، مشاور وزیر امور خارجه آمریکا در امور قاچاق انسان، هنگام ارائه گزارش جدید گفت به دلیل نبود روابط دیپلماتیک میان ایالات متحده و رژیم تهران، اطلاعات مربوط به قاچاق انسان در ایران توسط برخی کشورهای متحد آمریکا جمع آوری شده است.»]

زنان امروز در ادامه می نویسند: « بنا بر گزارش وزارت خارجه آمریکا، کودکان و زنان ایرانی به قصد سواستفاده جنسی، ازدواج اجباری و پرداخت بدهی شخصی به کشورهای مانند امارات متحده عربی، پاکستان، ترکیه و برخی کشورهای اروپایی قاچاق می شوند.»

وزارت خارجه آمریکا می گوید زنان ایرانی در داخل ایران با هدف فحش‌های اجباری و ازدواج اجباری جهت پرداخت قروض و دیون، قاچاق می شوند. کودکان خرد سال نیز در داخل ایران و همچنین از طریق افغانستان برای ازدواج اجباری، استثمار جنسی تجاری و بردگی اجباری به عنوان گدا و کارگر به ایران قاچاق می شوند. منابع مطبوعاتی می گوید که هر روز دست کم ۵۴ زن جوان ایرانی در سنین بین ۱۶ تا ۲۵ سالگی برای استثمار جنسی در پاکستان فروخته می شوند.

در این گزارش آمده است که رژیم تهران یکی از حکومت‌هایی است که طی سال گذشته (از آوریل ۲۰۰۷ تا مارس ۲۰۰۸) نه تنها هیچ اقدامی برای حمایت از قربانیان قاچاق انسان انجام نداده، بلکه در چندین مورد قربانیان این پدیده شوم را به اتهام برقراری روابط جنسی نامشروع دستگیر و مجازات کرده است. بنا به گزارش وزارت خارجه آمریکا، شواهد معتبر نشان می دهد که رژیم تهران قربانیان قاچاق انسان را با صدور حکم

شلاق، زندان و اعدام تنبیه می کند. منابع مختلف گزارش کرده اند که رژیم تهران استانداردهای محافظت از قربانیان قاچاق انسان را رعایت نکرده و آنها را مورد بازجوئی و در برخی موارد بدلیل مسائل اخلاقی که مستقیماً ناشی از قاچاق انسان است، اعدام کرده است].

در جمهوری اسلامی ایران و نظام خلیفه گری شیعه، بر خلاف ادعاها و عوامفریبی های خلیفه و دیگر رهبران جامعه و مجموعه ی ملامهای وابسته به دستگاه خلیفه گری، نظام سرمایه داری با خشونت بی نظیر و به وحشیانه ترین شکل ممکن فرمانروایی می کند و بر سرنوشت توده های کار و زحمت حاکم است! سرمایه داری عقب مانده و چپاولگری که در زیر سایه احادیث و روایات ماقبل قرون وسطی و تفکرات گنبدیده و واپسگرایانه ی مثنی آخوند زالو صفت، طبقه کارگر و زحمتکشان ایران را به صورت دهشناکی مورد استثمار و بهره کشی قرار می دهد و کوچکترین حرکت و اعتراض مردم به جان آمده را با زندان و شکنجه و اعدام پاسخ می دهد!

دولت اسلامی، که همانا حکومت عدل علی و و الگوی عدالت پروری صدر اسلام است، انواع کمکها و امکانات مالی و قانونی را به منظور استثمار و بهره کشی در اختیار طبقه ی حاکم و وابستگان به دستگاه جنایت و تباهی خلافت قرار داده است. بنا بر این، از نظر استثمار و بهره کشی ظالمانه نه تنها کوچکترین تفاوتی با دیگر جوامع سرمایه داری ندارد، بلکه با دیکتاتوری، خشونت و بربریتی بس دهشتناک که زائیده ی دین سالاری و احکام و قوانین دوران توحش بشریت است نیز همراه می باشد!

در کشور امام زمان و سرزمین ائمه ی معصومین نیز به علت فقر و تنگدستی، بیکاری، فساد و فحشاء، اعتیاد و هزاران فلاکت و نکبت روز افزون و هولناکی که دستگاه خلیفه گری شیعه، اکثریت قریب به اتفاق مردم را به آن سوق داده است، هر روز بیش از پیش بر شمار کودکانی که از آموزش و تحصیل محروم میشوند و برای تأمین یک لقمه نان و کمک به خانواده، راهی بازار کار می‌شوند،

در جمهوری جهل و جنایت ملایان وابسته به دستگاه خلیفه گری، پدیده ی محرومیت کودکان از تحصیل و روی آوری اجباری آنان به کار، به دلیل فقر و تنگدستی خانواده، به حدی شایع شده که سردمداران رژیم و پاسداران بیضه ی مبارک و مقدس اسلام ناب محمدی نیز دیگر نمی‌توانند آن را انکار کنند یا برایش توجیهی تاریخی یا مذهبی بتراشند!

دستگاه خلیفه گری شیعه، یعنی حکومت مستضعفین و محرومان جهان و الگوی دولتمداری ائمه ی معصومین که پیوسته خود را نه سرمایه داری و نه سوسیالیستی، بلکه حکومت عدل علی و نمونه ی کامل سعادت و رستگاری پروردگاری دانسته و می‌داند، گر چه تا هم کنون از اعلام آمار و ارقام دقیق تعداد کودکان کار و خیابانی و ارائه اطلاعات کافی پیرامون آن امتناع نموده و بیان اسرار آن را در ردیف بزرگترین خیانت به کشور امام زمان می‌داند، همانطور که از گفتگوی خجسته حسینی پور با ایلنا و دیگران نیز استنباط می‌شود، بیش از یک دهه است که به وجود کودکان کار و خیابانی اعتراف نموده است.

در سال ۱۳۷۵ شمسی صحبت از وجود ۳۶۸ هزار کودک کار و خیابانی به میان آمد. در سال ۱۳۷۸ یعنی سه سال بعد، وقتی که موضوع کودکان خیابانی به صورتی حاد قد بر افراشت و بحث در باره ی آن ابعاد وسیع تری پیدا و اخبار مربوط به آن به رسانه‌های عمومی و سطح جامعه ی فلک زده درز یافت، دستگاه خلیفه گری ننگین و آبرو باخته نیز چاره ای ندید، جز اینکه سکوت مزورانه و وقیحانه ی خود را بشکند و به ننگی بالای همه ی ننگ‌های تا کنونی خود تن در دهد!

دولتمردان جمهوری جهل و جنایت، مطمئن بوده و هستند که اعتراف به بزرگترین گناهان کبیره و خیانت‌های بی سابقه نیز قادر نخواهد بود جامعه ی اوهام زده و گرفتار در چنگال خرافات را علیه شان بشورانند و به قیامی خونین بکشاند!

آنان، با توجه به گذشته ی نکبت بار خود و تجربه ای که از عوام‌فریبی و جهل پراکنی سی ساله شان به دست آورده اند، و همچنین اوضاع و احوال جامعه ی جهانی و حمایت گسترده و همه جانبه ی نظام سرمایه داری از آنان که ایران را به آزمایشگاه تجربه اندوزی نئولیبرال‌ها و سیاست جهانی شدن مبدل نموده و در کارگر ستیزی و ضدیت با توده ی زحمت، گوی سبقت را از فاشیست‌ترین نوع حکومت‌های ضد کارگری جهان نیز ربوده اند، اطمینان کامل دارند که امت گرفتار در چنبره اوهام و خرافات دین و مذهب، در نهایت راهی مرقد امام رضا، احمد بن موسی (شاهچراغ شیراز)، چاه ملا ساخته ی جمکران و هزاران امام زاده و دکه ی اوهام و خرافات دیگر خواهد شد، تا شکایت ملایان را به عرض شان برسانند و از خدای تبارک و تعالی که ایران را به بیرگترین زندان جهان و گورستان انسانیت مبدل نموده بنمایند!

بر این پایه و اساس، و با این شناخت از جامعه، زبان گشود و چنین ادعا کرد که با اجرای یک طرح، کودکان خیابانی را جمع آوری خواهد کرد.

ده سال پس از این ماجرا، یعنی در ماه های پایانی سال ۱۳۸۷ شمسی، ببینیم نتیجه ی همه ی ادعاها و تلاش های نهادهای دولتی، اعم از بیت رهبری، نهاد ریاست جمهوری، شورای مصلحت نظام، مجلس شورای اسلامی، ستاد ائمه ی جمعه، نیروی انتظامی و اشک تمساح ریختن بیش چهار میلیون ملای مفتخور که سر در آخور بیت المال داشته و قصه ی ربودن خلخال از پای زن یهودی را وقیحانه و رذیلانه باز تکرار میکنند چه بوده است؟



آیا دستگاه خلیفه گری شیعه و نهادهای بر شمرده ی بالا، به غیر از صادر نمودن تعدادی از این کودکان به خارج و فروش آنان در بازارهای « الفجیره »، « کویته » و افغانستان کوچکترین گامی در این راستا برداشته اند؟ آیا به وضعیت

نابسامان و زجر دهنده ی تعداد اندکی از کودکان کار و خیابانی سر و سامانی داده شده است؟

از آنجا که عزت اسلام و مسلمین و صدور انقلاب اسلامی به سراسر کره ی خاکی مد نظر بوده و هست، سردمداران رژیم فرصتی برای سر و سامان دادن و رسیدگی به وضعیت چند صد هزار کودک مسلمان را نداشته و ندارند!

رژیم جهل و جنایت در راستای برنامه های مالیخولیایی و جنون آمیز خود، علاوه بر میلیاردها دلاری که سالانه در اختیار دولت سوریه، حزب الله لبنان، سازمان حماس، شیعیان عراق، گروه های آدمکش افغانی و غیره می گذارد، هر ساله میلیون ها دلار و یورو خرج برپایی مسجد، مراسم عزاداری و برپایی کلاس های قرائت قرآن در سایر کشورهای جهان می نماید. با این امید واهی که اسلام ناب محمدی را به تمام جهان صادر نماید! اما با کمال تأسف کودکان معصوم ایرانی، در خارج از کشور نیز از اعمال شیطانی و حیوانی مزدوران رژیم و صادر کنندگان فساد و تباهی دستگاه خلافت در امان نیستند!

به گزارش بی بی سی، **محمود قدری** ۶۰ ساله، معلم قرآن مسجدی در اسکاتلند به جرم تجاوز جنسی به کودکان حین کلاس درس قرآن محاکمه و به هفت سال زندان محکوم شده است. به گفته بی بی سی، او اولین کودک قربانی خود را در سال ۱۹۹۵ مورد آزار جنسی قرار داده و تجاوزهای جنسی وی تا تا سال ۱۹۹۸ ادامه داشته است.

محمود قدری متهم است که با این دختر بچه سکس داشته و او را بوسیده است. دومین دختر، توسط او در سال ۱۹۹۷ و در مسجد مورد تجاوز قرار گرفته است. قربانیان این برادر مکتبی و انقلابی که در موقع دادگاه ۱۹ سال داشتند، به دادگاه گفتند که این مرد آن ها را در طول جلسات آموزش کلام خدا و روی

تختخوابی در مسجد مورد تجاوز جنسی قرار می‌داده است. یکی از دختران گفته که تجاوز هر روز که به مسجد مراجعه می‌کرده اتفاق می‌افتاده است.

بیگمان والدین ای کودکان معصوم نیز از طرفداران پر و پا قرص جمهوری جهل و جنایت بوده و هر ساله تعطیلات نوروزی و تابستانی خود را در کنار خانواده و سرزمین امام زمان سپری می‌فرمایند!



در داخل ایران و در ام‌القرای اسلامی، وضعیت بسیار فاجعه‌بارتر از آنست که بتوان تصور نمود! هر روزه اتفاق‌های تازه‌ای می‌افتد و فاجعه‌ای رخ می‌نماید که قضیه‌ی پاکداشت و جنایت‌های مشابه آن را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد! تجاوز جنسی به کودکان، چنان بالا گرفته که مردم از ترس بیرون رفتن کودکان‌شان مجبورند در طول روز درب خانه‌هایشان قفل نمایند و در کوچه و خیابان و راه مدرسه از آنان چون مردمک چشم مواظبت نمایند!

به گزارش خبرگزاری ایسنا، مهدی پسر ۲۶ ساله ای که ۳ پسر و ۳ دختر زیر ۱۲ سال را در منطقه شمیرانات تهران مورد آزار و اذیت جنسی قرار داده بود، شناسایی و دستگیر شده است! خبرنگار ایسنا می نویسد:

[مهدی، با ظاهری کاملاً معمولی، عینکی بر روی چشم، در گوشه‌ای از اتاق کلانتری درحالیکه بر روی صندلی تکیه داده و می‌گریست، ماجرا را این گونه شرح داد: «در ۱۰ سالگی از سوی پسر ۲۸ ساله همسایه مورد تجاوز جنسی قرار گرفتم، از همان هنگام کینه و نفرت عمیقی نسبت به آن شخص پیدا کردم». وی که تا کنون ۶ دختر بچه و پسر بچه زیر ۱۲ سال را مورد تجاوز جنسی قرار داده، از کرده خود به شدت پشیمان است. مهدی در صحبت‌های خود اظهار کرد: «دارای پرونده پزشکی در پزشکی قانونی است و از مشکل روحی روانی رنج می‌برد و با تجویز پزشک معالج خود دارو مصرف می‌کند». مهدی، دارای مدرک دیپلم و یک خواهر و برادر کوچک‌تر از خود است.

پدر و مادر وی چند سال است که از هم طلاق گرفته و اکنون در کنار خواهر و برادر خود زندگی می‌کند. او شغل ثابتی نیز ندارد. گاهی به طور موقت در بازار تهران خرید و فروش می‌کند. وی تجاوزات جنسی خود به کودکان را بدون انگیزه و هدف توصیف کرد و با بیان این که از زمان قطع داروهایش، دچار حالتی غیرقابل کنترل می‌شود، گفت: «زمانی که دچار این حالات می‌شوم، هر دختر یا پسری را که تنها مشاهده کنم، به خلوتی برده، نیازهای خود را ارضا کرده و سپس او را رها می‌کردم». عامل تجاوزات جنسی به ۶ کودک زیر ۱۲ سال در پاسخ به این سوال که چرا طعمه‌های خود را از میان این افراد انتخاب کرده است؟ گفت: «برای ارضای نیازهای خود شخص

خاصی را در نظر نمی‌گرفتم و هر دختر یا پسری را که مشاهده می‌کردم، وی را مورد آزار و تجاوز جنسی قرار می‌دادم». مهدی در حالی که اشک در چشمانش حلقه زده بود، از تجربه تلخ آزار جنسی دوران کودکی خود یاد کرد و افزود: «پس از آن که مورد تجاوز جنسی همسایه در کودکی قرار گرفتم، به شدت از آن شخص و اطرافیانم نفرت پیدا کرده و یک حس انتقام‌جویی در من به وجود آمد». وی اقدام همسایه را جنایت خواند و گفت:

«اقدامی که او علیه من انجام داد، بسیار بدتر از آن چیزی بود که در این چند وقت گذشته با کودکان انجام می‌دادم». بر اساس گفته‌های مهدی، وی پس از تجاوز به کودکان احساس گناه و پشیمانی می‌کرده و در حال حاضر نیز از گذشته خود بسیار پشیمان است. «سرهنگ حمدالله علی‌آبادی» پلیس امنیت تهران بزرگ در خصوص نحوه شناسایی مهدی توضیح داد: «حدود یک ماه پیش به دنبال شکایت شهروندان از ۶ مورد آزارهای جنسی به چندین کلانتری واقع در شمیرانات، اکیپ‌هایی برای انجام تحقیقات در این منطقه مجهز و آماده شد». وی گفت:

«در ابتدای عملیات، تعدادی مظنون دستگیر شده و خانواده قربانیان برای شناسایی افراد حاضر شدند اما مظنونان مورد تایید خانواده‌ها قرار نگرفتند» علی‌آبادی افزود: «مهدی با توجه به مشخصات ارائه شده خانواده‌ها، توسط کلانتری دستگیر و برای انجام تحقیقات منتقل شد». پلیس امنیت تهران بزرگ خاطرنشان کرد: «به محض آگاه‌سازی خانواده‌ها مبنی بر دستگیری این فرد، وی مورد تایید و شناسایی قرار گرفت». سرهنگ علی‌آبادی با اشاره آزار جنسی ۳ دختر و ۳ پسر زیر ۱۲ سال از سوی این فرد و قبول اتهام

توسط وی، گفت: « این شخص چندی پیش به اتهام کودک آزاری و ایجاد مزاحمت برای دختران دبیرستانی دستگیر و به مدت ۷ ماه به استان اردبیل تبعید شد ». علی‌آبادی افزود: « چندین خانواده دیگر نیز به علت ترس از آبروریزی و تاثیرات روحی ماجرا بر فرزندانشان از طرح دعوی خودداری کردند ». وی به امکانی که این فرد، کودکان را مورد تجاوز قرار داده بود، اشاره و تصریح کرد:



« محله‌های مخروبه از جمله برخی باغات در شمیرانات و رودخانه تجریش و زیر پل‌ها از اماکن مورد نظر وی برای اجرای نقشه پلید بوده است ». پلیس امنیت تهران با بیان این‌که یکی از قربانیان توسط اولیای مدرسه شناسایی شده است، افزود: « متهم را به امکانی که کودکان را مورد آزار قرار داده است، برده تا افرادی که احتمالاً شکایتی از این فرد دارند، نیز طرح دعوی کنند »!

با توجه به این نمونه و هزاران مورد دیگر، در نظر بگیرید که کودکان کار و خیابانی با چه مصیبتی دست بگریبانند و چه ستم های می کشند!

دکتر حمید رضا احمد خانی ها استاد یار روانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران، معتقد است که در ایران اسلامی و در زیر لوای حاکمیت دستگاه خلیفه گری شیعه، بیست درصد کودکان خیابانی مورد تجاوز جنسی قرار می گیرند!

وی در گفت و گو با خبرنگار سرویس پژوهش پیرامون طرح « همه گیر شناسی افسردگی و سوء استفاده جنسی در کودکان خیابانی»، اظهار می دارد:

« هدف ما از این پژوهش بررسی سوء استفاده جنسی و افسردگی در گذشته و حال کودکان خیابانی جنوب شهرتهران است که برای این منظور، تعداد ۸۷ کودک خیابانی را در منطقه ۱۲ شهرداری به وسیله پرسشنامه ای از لحاظ ابتلا به افسردگی و وجود سوء استفاده جنسی به کمک مصاحبه بالینی مورد بررسی قرار دادیم که میانگین سنی این کودکان ۶ تا ۱۷ سال بود و ۵۶ نفر از آنها را پسران و ۳۱ نفر را دختران تشکیل می دادند.»

وی با اشاره به نتایج این تحقیق، اظهار می دارد:

« در این پژوهش ۲/۵۱ درصد کودکان مورد بررسی افسرده بوده اند و تقریباً همین تعداد در گذشته افسردگی داشته اند. از سوی دیگر ۷/۸۶ درصد از دختران خیابانی افسرده بودند، در حالی که این رقم در پسران به ۲/۴۸ درصد می رسید که به نظر می رسد فراوانی افسردگی در دختران بسیار قابل تامل است.»

دکتر احمد خانی ها با بیان اینکه زندانی شدن پدر ارتباط موثری با افسردگی در کودکان خیابانی دارد، تصریح کرد :

« ۹/۵۰ درصد کودکان افسرده دچار این معضل بودند. چون زندان رفتن پدران موجب می شود تا پدر دیگر منبع درآمد خانواده نباشد.»

استادیار روانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران یادآور شده است:

« در این تحقیق، ۲۰ درصد کودکان خیابانی مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته بودند که اغلب افراد سوء استفاده کننده غریبه بوده اند.»



دکتر احمد خانی ها تاسیس و تجهیز سازمانهای غیردولتی در راستای حمایت از این کودکان را اقدامی بسیار سودمند دانست و تاکید کرد: « این فعالیت ها باید برنامه های آموزشی و حمایتی برای کودکان و خانواده های آنها باشد. همچنین دادن خدمات مشاوره ای، مددکاری و حمایتی به خانواده های افراد بیکار و زندانی، می تواند در راستای کاهش افسردگی و پیشگیری از خیابانی شدن موثر باشد. از سوی دیگر با توجه به خطر

شیوع بیماری ایدز و توجه به این نکته که بیماری های آمیزشی و رفتارهای پرخطر جنسی در این کودکان شایع است، توجه ویژه به آنان و درمان این کودکان در جهت پیشگیری از شیوع بیماری ایدز می تواند سودمند باشد.»

وی خاطرنشان کرده است: « این بررسی با آن دسته از کودکان خیابانی که روزها در خیابان به کار مشغولند و شب ها نزد والدین و یا بستگان خود سکونت دارند انجام شده و کودکان کارتن خواب که شب ها در محل های متروکه و خیابان به سر می برند را در برنگرفته است. بنابراین برای بدست آوردن اطلاعات دقیق تر درباره سوء استفاده جنسی از آنها نیاز به مصاحبه های پی درپی و ارتباط قوی تر می باشد.»

بدیهی است که دستگاه خلیفه گری شیعه، با همه ی عوام فریبی ها و دستاویز قرار دادن احکام و قوانین آسمانی، احادیث و روایات و دفاع بیشرمانه از مالکیت خصوصی و حمایت از زالوهای خونآشام جامعه، نه تنها پاسدار و نگهبان جان بر کف حریم خدای سرمایه و حراست کننده ی مناسبات ظالمانه ی سرمایه داریست، بلکه ایران اسلامی را به آزمایشگاهی برای تجربه ی همه ی تئوری های پا در هوا و رو به زوال نئولیبرال های اقتصادی که مذبحخانه در راه نجات این نظام ستمگرانه و رفع بحرانی که گریبانش را گرفته عرق می ریزند مبدل نموده است!

در کشوری چون ایران که از بیش از یک چهارم شهروندانش زیر خط فقر به سر می برند، با توجه به مشکلات و مصائب پرشمار زندگی توده ی کارگران و زحمتکشان و تمامی مزد بگیران دولتی و گذران مشقت بار روزمره شان، وقتی که از فقر و تنگدستی، بیکاری روز افزون، گرانی، اعتیاد، فحشاء و دیگر مفاسد اجتماعی صحبت می کنیم، وضعیت فلاکت بار کودکان ایران، یا « لاله های روئیده در جهنم »^۱ داستان پر اشک و آهی است که دل و جان دوستداران و تلاش گران احقاق حقوق کودکان را به درد و لرزش وامیدارد. به بردگی کشیدن

^۱ - نام کتابی به قلم نویسنده.

روزافزون بردگان خُرد، هم زمان با بیکارسازی گسترده کارگران و زحمتکشان^۱ نبود بیمه های اجتماعی و صندوق حمایت از بیکاران، عدم امنیت شغلی و اخراج های دسته جمعی، تعطیلی واحد های تولیدی و کارخانه ها و از پی آن بیکاری فزاینده زحمتکشان، عدم تشکل های کارگری و سندیکایی، سرکوب هر نوع تظاهرات و اعتراض های آرام، اخراج و زندان و شکنجه ی فعالین کارگری، و ... و ... در مقابل بهشت رؤیایی حکومتگران و دولتمردان خادم سرمایه، یک جهنم زمینی واقعی را برای توده زحمتکشان و مزد بگیران و اعضاء خانواده هایشان، بویژه کودکان شان به وجود آورده است. گسترش فقر مطلق در جامعه و در زندگی کارگران که با رشد سیاستهای خصوصی سازی های بی رویه، به منظور خشنودی خدای سرمایه و در راستای سیاست های برنامه ریزی شده ی بانک

^۱ - آقای ابوطالب شفقت، استاندار بوشهر و نماینده ی دولت مهر ورزی آقای احمدی نژاد، با هماهنگی و همدستی با مسئولان شرکت « ایران صدرا»، در ماه های پایانی خزان و آغاز فصل زمستان اجازه ی اخراج این کارگران را صادر نمود! باشد که عدالت اسلامی شامل حالشان شود و ضمن پیوستن به ارتش روز افزون بیکاران، اوقات بیشتری را در کنار خانواده و پای سفره ی خالی و اجاق سرد بگذرانند! به گفته ی علی خوشبخت، یکی از نمایندگان کارگران « ایران صدرا»، تعداد زیادی از کارگران اخراجی از سابقه ای بیست ساله بر خوردارند و تا مرز بازنشستگی فاصله ی چندانی ندارند!

دولت آقای احمدی نژاد، در سالهای گذشته نشان داده است که قصد انتقام گیری از مردم استان و به فراموشی سپردن این منطقه را دارد! بر اثر سیاست های غلط و ایران بر باد ده دولت ایشان، در ماه گذشته، وزارت نفت تصمیم گرفت تا دفاتر خود را به استان فارس منتقل نماید! امری که موجب نارضایتی اکثریت باشندگان این استان را فراهم نمود!

با امید که کارگران شرافتمند و با عزت « ایران صدرا» و دیگر زحمتکشان استان، به یاری برادران و یاران اخراجی خود بشتابند و با اعتراض های پی در پی و مستمر به سیاست های ضد کارگری دولت که حاصلی جز بدبختی و نکبت و ویرانی استان و ایران را در پی نخواهد داشت، پایان بخشند! (قسمتی از مقاله نویسنده با نام « اخراج ۶۵۰ نفر از کارگران « ایران صدرا ی بوشهر» به تاریخ بیست و دوم آبان ماه هشتاد و هفت).

جهانی وصندوق بین المللی پول و با هدف پیشبرد سیاست های غارتگرانه ی نئولیبرالیستی و جهانی سازی سرمایه، از سالهای پایان جنگ هشت ساله با کشور همسایه عراق، آغاز و طی دو دوره ی ریاست جمهوری « سردار ویرانگری »، شیخ علی اکبر هاشمی رفسنجانی و هشت سال حکومت پر مکر و فریب محمد خاتمی (سید خندان)، که به اعتراف خود، تنها برای حفظ نظام و ولایت مطلقه فقیه پای به میدان گذاشته بود، به اینسو بیش از پیش شتاب گرفت و در دوران دولت مهرورزی دکتر محمود احمدی نژاد، به اوج خود رسید.



زیرا دولت مهرورز و جاده صاف امام زمان (بخوان نئولیبرالیسم ورشکسته ی اقتصادی)، بدون توجه به بحران فزاینده ای که دامنگیر سرمایه داری جهانی به طور اعم و نئولیبرالیسم اقتصادی به طور اخص گردیده، کماکان به سیاست ویرانگرانه خصوص سازی و حملات بیرحمانه و ددمنشانه بر منافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان می افزاید و با سرعتی که به نابودی ایران و ایرانی پیش میرود.

دکتر غنچه راهب روانشناس و مددکار اجتماعی در رابطه با وضعیت کودکان خیابانی و کار و تقسیم بندی خاستگاه طبقاتی - اجتماعی آنان اعلام می کند: « سازمان بهداشت جهانی، کودکان خیابانی را در یکی از ۴ گروه زیر تقسیم بندی می کند: کودکانی که در خیابان زندگی می کنند و اولین دغدغه آنها زنده ماندن و داشتن سرپناه است. کودکانی که از خانواده خود جدا شده اند و موقتاً در مأمنی مانند خانه های متروک، نوانخانه ها و پناه گاهها زندگی می کنند. کودکانی که تماس با خانواده خود را حفظ کرده اند اما به علت فقر، خشونت و سوء استفاده های جنسی و جسمی در خانواده، بخش یا اکثر ساعات روز را در خیابان می گذرانند و کودکانی که در مراکز ویژه بازپروری نگهداری می شوند اما قبلاً در وضعیت بی خانمانی به سر می بردند و در معرض خطر بازگشت به وضعیت گذشته قرار دارند ».

علیرغم این تقسیم بندی جهانی، دکتر راهب می افزاید: « کودکان خیابانی در ایران به ۶ دسته تقسیم می شوند: کودکان فاقد شناسنامه که یا از اتباع خارجی اند و یا کودکان به جا مانده از ازدواج های موقت هستند. کودکان متکدی، کودکان کار در خیابان، کودکانی که از خانه فرار کرده اند، کودکانی که در خیابان دست به بزهکاری می زنند و کودکان بی سرپرست و بد سرپرست ».

وی در خصوص علل شکل گیری این پدیده در ایران می گوید: « رشد و تغییرات بی رویه جمعیت، ویرانی ها و خرابی های بازمانده از جنگ، فقر فرهنگی، مهاجرت، بیکاری، وجود مشاغل کاذب، حاشیه نشینی، بالا رفتن آمار طلاق و اعتیاد و عدم همخوانی شاخص های مختلف توسعه در ایجاد و گسترش این پدیده نقش داشته اند. همچنین عواملی چون جمعیت زیاد خانوار، بی سوادی یا کم سوادی و کهنوت و بیماری والدین،

فوت یا جدایی پدر و مادر و اعتیاد آنها، زندانی و خیابانی بودن والدین و درگیریهای مداوم خانوادگی از علل خانوادگی این پدیده هستند.»

وی تصریح می‌کند:

« حضور کودکان در خیابانها عوارض مختلف جسمی و روانی به دنبال دارد. از نظر جسمی، بیشتر این کودکان دچار سوء تغذیه‌اند و از کمبود خواب، نقص در استخوان بندی و فرایندهای رشد جسمی، شکستگی‌های متعدد در نقاط مختلف بدن، اختلالات ریوی و کلیوی، عفونت داخلی و اختلالات تناسلی رنج می‌برند. از نظر روانی نیز کودکان خیابانی پرخاشگر و گوشه‌گیرند و تاخیر کلامی (خزانه لغات محدود و ناتوانی در تکلم) دارند و دچار مشکلاتی چون اختلال خواب، تعامل اجتماعی نامناسب، بی توجهی، اختلالات شناختی و علائم اضطراب هستند و نشانه‌هایی از ویران سازی و تمایل به تخریب از خود نشان می‌دهند.»



راهب در خصوص آسیب‌هایی که این کودکان در خیابان با آن روبه‌رو هستند، می‌گوید:

« از نظر اجتماعی این کودکان مورد سوء استفاده‌هایی چون اجبار به حمل و نقل مواد مخدر، مشروبات الکلی و سایر وسایل غیر قانونی قرار گرفته و اجبار به تکدی‌گری، استعمال مواد مخدر، سرقت منازل و در بسیاری از موارد تعرضات جنسی از آسیب‌های شایع در این کودکان است. آنها طعمه باندهای قاچاق انسان می‌شوند و در برخی موارد به تکدی‌گری، باجگیری و ولگردی می‌پردازند.»

این روانشناس هشدار می‌دهد:

« در وضعیتی که ۸۰ درصد کودکان خیابانی ایران کودکان کار هستند، جمع‌آوری و تحویل آنها به خانواده‌ها مشکلی را حل نمی‌کند و به علت فقر اقتصادی خانوار این کودکان چاره‌ای جز بازگشت به خیابان و شروع به کار دوباره برای بقای خانواده ندارند.»

وی تصریح می‌کند:

« ۸۰ درصد کودکان خیابانی ایران کودکان کارند که اگر کار نکنند خانواده آنها دچار مشکلات حاد می‌شوند؛ بنابراین جمع‌آوری و حذف اشتغال کودکان خیابانی نمی‌تواند مشکل آنها را حل کند.»

دکتر راهب می‌گوید: «مراکز بهزیستی در جذب کودکان خیابانی دچار مشکل هستند و باید ریشه‌یابی شود که چرا این کودکان با وجود بیماری‌های متعدد جسمی به این مراکز مراجعه نمی‌کنند. درحالی‌که اگر به مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خانواده‌ها رسیدگی و به نیازهای خانواده‌های مهاجر پرداخته نشود، این پدیده در آینده گسترش می‌یابد.»

با این همه، نباید انتظار داشت که این رژیم ضد بشری و کارگر ستیز، برای معضل کودکان کار و خیابانی که خود و خانواده هایشان قربانیان تبهکاریها و ویرانگری های و ددمنشانه اش هستند، راه حلی بیابد و چاره ای بیندیشد! بر عکس، هر چه زمان می گذرد، خود رژیم با سُبُعیّت هر چه تمامتر بر این معضل و شمار بردگان خُرد سال و قربانیان نگون بخت خود می افزاید!

بنا به گزارش سازمان بهزیستی در اواخر مرداد سال جاری، تعداد کودکان خیابانی تنها در شهر تهران، یعنی ام القرای جهان اسلام و مرکز خلافت دستگاه خلیفه گری شیعه، در مقایسه با سال گذشته به دو برابر افزایش یافته است.

بدین معنی که، در راه حل معضل اجتماعی کودکان کار و خیابانی یا بردگان خرد سال نظام سرمایه داری نه تنها گام هایی هر چند کوچک و بی مقدار برداشته نشده بلکه روز به روز بر ابعاد فاجعه بارش نیز افزوده شده است.



سی سال از انقلاب نامیمون اسلامی و پایان حکومت پنجاه و چند ساله ی خاندان پهلوی می گذرد! بدون آنکه گامی در راستای آبادانی کشور و بهبود وضع زندگی مردم برداشته شود! کشور، چون گذشته تک محصولی مانده و حیات و مماتش وابستگی مستقیم به فروش نفت دارد! کشاورزی بر باد رفته و به جای صنعت مونتاژ پیکان، انواع و اقسام ماشین ها با هزینه ی اندک مواد اولیه و مزد ناچیز کارگران در آن مونتاژ می شوند! تنها بر وسعت وعده های پا در هوا، عوامفریبان بدون پشتوانه ی حضرات علما و چپاولگرانه ی وابستگان به رژیم افزوده شده و هر روزه می شود!

بنا بر این سرمداران رژیم و دستگاه خلیفه گری شیعه آگاهانه و بدون ذره ای دغدغه در راستای خواست و تمنای خدای سرمایه و نظام سرمایه داری گام بر می دارند و آگاهانه تلاش می ورزند تا بر ابعاد وحشتناک پدیده ی کودکان کار و خیابانی سرپوش بگذارند و حتی یک آمار نسبتاً دقیق و قابل اتکا نیز از تعداد بردگان خرد سال و قربانیان نظام غارت و چپاول ارائه ندهند! در ایران طاعون زده، با گسترش جمعیت شهری و روستایی از سویی، بیکاری، گرانی، افزایش فقر و تنگدستی، رشوه گیری، غارت بی شائبه ی حکومتیان، فساد اداری، گسترش اعتیاد و فحشاء و هزاران بلای دیگر که جامعه را به منجلاب کشانده، هر بیننده بی طرف و بی غرضی شاهد حضور روز افزون کودکان کار و خیابانی در سطح تهران و دیگر شهرهای بزرگ بوده و هست!

روز شنبه بیست و یکم آذر ماه ۱۳۸۳ شمسی، برابر با یازده دسامبر ۲۰۰۴ میلادی، نماینده صندوق کودکان ملل متحد «یونیسف» در ایران اعلام کرد: «پانصد هزار و بیش از یک میلیون کودک ایرانی به ترتیب زیر خط فقر یک و دو دلار در

روز زندگی می‌کنند».

به گزارش خبرنگار اجتماعی خبرگزاری دانشجویان ایران «کاری آگه» با اشاره به این که بیش از یک میلیون نفر در ایران زیر خط فقر یک دلار در روز زندگی می‌کنند، افزود: «بعلاوه حدود هفت و سی و پنج صدم درصد کل جامعه نیز زیر خط فقر دو دلار در روز قرار دارند».

وی با اشاره به همکاری بسیار خوب یونیسف با ایران در زمینه اصلاح قوانین، اصلاح قانون حضانت و حمایت از کودکان را از دستاوردهای این همکاری خواند و گفت: «بر اساس اطلاعات یونیسف، تعیین سن قضایی مساوی پانزده سال کیفری و هجده سال اعدام برای دختران و پسران در ایران پذیرفته شده است».

نماینده صندوق کودکان ملل متحد با اشاره به این که حدود پانزده میلیون کودک در جهان تحت تاثیر تبعات ایدز قرار گرفته‌اند، خاطرنشان کرد: «میلیونها کودک در خانواده‌های مبتلا به ایدز در معرض خطر هستند؛ این درحالیست که به عنوان مثال در کشوری همانند آفریقا بسیاری از مردان سنین سی سال معتقدند که رابطه جنسی با دختران بیماری ایدز را از آنها پاک می‌کند».

«کاری آگه» با اشاره به هفت هزار و پانصد مورد ایدزی ثبت شده در ایران این بیماری را در کشور اپیدمی خواند و خاطر نشان کرد: «در میان مبتلایان جدید ایران، میزان ابتلای دختران و زنان پانزده تا بیست و چهار ساله به ایدز به علت فعالیتهای جنسی روبه افزایش است و این امر مسلماً در صورت رعایت نکردن تمامی اقدامات بهداشتی پیشگیری، ایران را با بحران روبه‌رو می‌کند».

نماینده یونیسف با اشاره به این که در ایران علیرغم پیشرفتهای اخیر بر اساس شاخصهای «خرد»، در مرزهای شرقی و غربی و شمالی فقر، چشمگیر است، گفت:

« سوءتغذیه و عدم برخورداری کودکان از مراقبت‌های کیفی در استان‌های سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی و هرمزگان، عدم برخورداری از فرصت‌های برابر آموزشی دختران و پسران، میزان بالای ترک تحصیل دختران در مقطع ابتدایی ایران و نیز وجود موارد کودک‌آزاری و استثمار از مسائل عمده مورد توجه سازمان ملل است ».

وی ادامه داد: « شماری از کودکان بخصوص دختران چهار تا پنج ساله ایران به علت مشکلات و مسائل اجتماعی و فرهنگی و کمبود معلم زن مجبور به ترک تحصیل شده و بعلاوه تنبیه نیز همچنان در مدارس ایران جاری است ».

نماینده جمعیت صندوق ملل متحد در ایران با استناد به تحقیقات سازمان بین‌المللی کار با بیان این که چهارده درصد کودکان ایران هنوز کار می‌کنند، اظهار کرد: « بیش از یک میلیون نفر در ایران با درآمد کمتر از یک میلیون دلار در روز زندگی می‌کنند ».

کودکان کار به آن دسته از بچه‌هایی گفته می‌شود که به علت معضل‌ها و نابسامانی‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، و غیره از حقوق اولیه‌ی انسانی خود از قبیل: تغذیه، آموزش، سرگرمی، بهداشت و امنیت برخوردار نبوده و به دلیل محرومیت و فقر خانوادگی مجبور به کار کردن در بازار کار باشد!

در ایران امروز و به ویژه در تهران، آنچه بیش از همه در خیابان‌های شلوغ و پر رفت و آمد، بازار، کوچه پس‌کوچه‌های بازارمولوی، ناصر خسرو، ترمینالها، پارک‌ها، سرگذرگاهها، جاده‌ی بهشت زهرا و ... و ... بچشم می‌خورد کودکان گل فروش، واکسی، سیگار فروش، دارو فروش، سی‌دی فروش، فال فروش، آدامس فروش، مواد فروش، مشروب فروش،

بادکنک فروش، زباله گرد، گدایان اجاره ای و غیره است که هر کدام به نحوی تلاش می ورزند تا شکم خود و دیگر اعضای خانواده ی خود را سیر کنند!

جدا از این دسته، کودکان خیابانی هستند! پدیده ای که پس از انقلاب نامیمون و بویژه در سالهای اخیر در بیشتر نقاط کشور رو به گسترش و فزونی نهاده است!

به گزارش روزنامه ی شرق (یکشنبه ۱۷ مهر ۱۳۸۴ - سال سوم - شماره ۵۹۶): « کودکان کار و خیابان به کودکانی گفته می شود که در شهرهای بزرگ برای ادامه ی بقای خود مجبور به کار یا زندگی در خیابان ها باشند. این کودکان به دلیل فقر، رها شدن یا آزار دیدگی از خانواده و مهاجرت به این کار روی می آورند. براساس مطالعات سازمان بهداشت جهانی اکثر کودکان خیابانی مورد سوءاستفاده جنسی و اقتصادی قرار می گیرند و بسیاری از آنها به بیماری های غیرقابل درمان مبتلا می شوند.



براساس گزارشی از یونیسف که در بین ۲۲۴۰ نفر از نوجوانان دبیرستانی ایران انجام شده است، ۶۰ درصد کودکان آزار دیده اند، ۶۱ درصد از آنها آزار جسمی، ۳۳ درصد آزار روانی و ۶/۶ درصد آزار جنسی را تجربه کرده اند. در ۲۲ درصد موارد آزارگر عضو خانواده، ۳۱ درصد خویشاوند نزدیک و ۱۶ درصد آشنای خانوادگی بوده اند. آمارهای رسمی نشان می دهد که حدود ۳/۱ درصد کودکان بین ۶-۱۴ سال به کار اشتغال دارند و به مدرسه نمی روند. این رقم در مناطق شهری ۵/۰ درصد و در مناطق روستایی ۴/۲ درصد است.»

شرق در ادامه می افزاید:

« مطابق با آمارهای غیررسمی يك ميليون و ۷۰۰ هزار نفر كودك در سن مدرسه در کشور وجود دارند که به مدرسه نمی روند و بیش از ۷۰۰ هزار نفر در سن ابتدایی از تحصیل محرومند. گفته می شود ۱۸ میلیون كودك در سن مدرسه در کشور وجود دارد در حالی که پس از شروع سال تحصیلی ۸۵ - ۸۴ آمارهای رسمی کشور خبر از ۱۳ میلیون دانش آموز بازمانده از تحصیل در دوره راهنمایی و متوسطه در گروه سنی ۵ - ۱۱ ساله را می دهند. كودكان خیابانی را به چهار گروه تقسیم می کنند: كودكان مهاجر، كودكانی که در خانواده های پرتنش زندگی می کنند و یا كودكان طلاق، كودكان خانواده های فقیر و كودكان بی سرپرست.»

خبرگزاری ایلنا، در تاریخ ششم مهر ماه، به نقل از نجم‌الدین محمدی مدیر کل آسیب‌های اجتماعی شهرداری تهران، نوشت:

« در حال حاضر هیچ نوع آمار و اطلاعاتی از كودكان كار و خیابانی در کشور وجود ندارد»، نام برده گفته است، طرحی درست اجرا دارد که بر اساس آن، برای نخستین بار، آمار و اطلاعات مربوط به كودكان كار و خیابانی، جمع‌آوری می‌شود.

لازم به یاد آوریمست که پیش از این، سایت بُرنا، وابسته به رژیم و دستگاه خلیفه گری، با استناد به برآورد کارشناسان صندوق حمایت از کودکان (یونیسف)، وابسته به دفتر سازمان ملل متحد، تعداد کودکان کار و خیابانی در ایران را، بین ۴۰۰ هزار تا یک میلیون نفر اعلام نموده بود.

اما این خبر خبرگزاری ایسنا دروغ بودن ادعای بالا را به اثبات می رساند. این خبرگزاری به نقل از یزدانی، مدیر عامل «انجمن حمایت از حقوق کودکان»، با استناد به آمارهای انتشار یافته در سال ۱۳۸۵ توسط مرکز آمار ایران اعلام کرد: « از مجموع ۱۳ میلیون و ۲۵۳ هزار کودک رده ی سنی ۱۰ تا ۱۸ سال کشور در سال ۱۳۸۵ شمسی، ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار کودک، خارج از چرخه ی تحصیل و یک میلیون و ۶۷۰ هزار کودک بطور مستقیم درگیر کار بوده اند»، ایسنا، در ادامه ی همین گزارش خود می نویسد: « علاوه بر وجود یک میلیون و ۶۷۰ هزار کودک کار در کشور، ۹۱۵ هزار کودک با عنوان «کودک خانه دار» توسط مرکز آمار ایران ثبت شده است که ۴۰۹ هزار نفر آن ها را دختران و مابقی را پسران تشکیل می دهند».



ایسنا در پایان می نویسد: نام برده (یزدانی) با اشاره به این مسأله که این دسته از کودکان نیز چه به دلیل ازدواج زودهنگام و یا به دلیل بازماندن از تحصیل، در زمره ی کودکان کار محسوب می‌شوند، می‌گوید: « در مجموع حدود ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار کودک در کشور مشغول به کار هستند! »

۷

پاره ای از خبرچینان و مزدوران رژیم و مروجین و مبلغین بی جیره و مواجی که بدون توجه به گذشت سی سال از عمر ننگین و تبهکارانه ی حکومت خلفای شیعه، هنوز در وادی حیرت و مدهوشی « مبارزه ی که بر که » سرگردانند و شبانه روز تلاش می کنند تا توده کار و زحمت و مردم به جان آمده را در برهوت جنون و مالیخولیایی خود، به دنباله روی و پشتیبانی از چهره ی منفور و رسوا شده ای چون سید محمد خاتمی، علی اکبر هاشمی رفسنجانی و حتی محمود احمدی نژاد بکشانند، بدون پرداختن به ریشه یابی و اعلام علل گدیده ای به نام کودکان خیابانی و کار، عدم تثبیت قدرت و وجود قانون کار را دلیل بهره کشی و استثمار ظالمانه از بردگان خرد سال می دانند!

بدان سان که گناه خرید و فروش این قربانیان خرد سال و دختران و زنان جوان ایرانی در بازارهای برده فروشی جهان را، نه بپای نظام سرمایه داری و دستگاه وابسته ی خلیفه گری شیعه، بلکه به حساب عدم تثبیت قدرت و نفوذ افراد سود جو و ضد انقلابی در ارگان های دولتی و انقلابی می گذارند!

موضع گیری چندیش آور و مسخره ی پاره ای از این حضرات ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری و دفاع جانانه ی آنان از

استقلال و عدم وابستگی رژیم و آزادیخواهی و میهن پرستی و مردم دوستی طیفی از روحانیون و تبهکاران سی سال آزموده ی وابسته به دستگاه خلیفه گری شیعه، جای هیچ شک و شبهه ای باقی نمی گذارد که این دزدان با چراغ و نقابدار، نیستند، مگر جیره خواران و مزدوران سرمایه داری جهانی، صهیونیسم بین المللی و دستگاه خلیفه گری شیعه که هدفی جز تثبیت پایه های قدرت رژیم و بمب گذاری در میان جمعیت ها و سازمان های مخالف رژیم نداشته و ندارند!

این تلاش ها و موضع گیری های چندش آور، درحالیست که رژیم جهل و جنایت اسلامی، در سال ۱۳۷۳، بر اثر فشارهای داخلی و بین المللی و نشان دادن چهره ای بشر دوستانه از خود، کنوانسیون بین المللی حقوق کودک را پذیرفته و امضاء نموده است. و بر اساس ماده ی نخست این کنوانسیون، کودک، فردی معرفی شده است که کمتر از ۱۸ سال سن دارد.

علاوه بر این طبق ماده ی ۷۹ قانون کار رژیم ملایان، مصوب آبان ماه ۱۳۶۹ که ظاهراً به تصویب پارلمان رسیده و با مخالفت و ضدیت مقام رهبری، مجلس خبرگان و شورای مصلحت نظام نیز روبرو نگردیده، به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام، ممنوع اعلام شده است.

ماده ۷۹ - به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است .

و بنا بر مواد ۸۰، ۸۱ و ۸۳ همین قانون، به کار گماری افراد بین ۱۵ تا ۱۸ سال نیز به آزمایش های هر ساله پزشکی مشروط و در عین حال ارجاع کار اضافی، کار در شب، کارهای سخت و زیان آور و خطرناک و حمل بار با دست، برای این رده ی سنی نیز ممنوع اعلام شده است.

ماده ۸۰ - کارگری که سنش بین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام باشد، کارگر نوجوان نامیده میشود و در بدو استخدام باید توسط سازمان تامین اجتماعی مورد آزمایشهای پزشکی قرار گیرد.

ماده ۸۱ - آزمایش های پزشکی کارگر نوجوان، حداقل باید سالی یکبار تجدید شود و مدارک مربوط در پرونده استخدامی وی ضبط گردد. پزشک در باره تناسب نوع کار با توانائی کارگر نوجوان اظهار نظر میکند و چنانچه کار مربوط را نامناسب بداند کارفرما مکلف است در حدود امکانات خود شغل کارگر را تغییر دهد.

ماده ۸۲ - ساعات کار روزانه کارگر نوجوان، نیم ساعت کمتر از ساعات کار معمولی کارگران است. ترتیب استفاده از این امتیاز با توافق کارگر و کارفرما تعیین خواهد شد.

ماده ۸۳ - ارجاع هر نوع کار اضافی و انجام کار در شب و نیز ارجاع کارهای سخت و زیان آور و خطرناک و حمل بار با دست، بیش از حد مجاز و بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگر نوجوان ممنوع است.



در ماده ی ۸۴ قانون کار نیز اعلام شده است که در کارهائی که برای سلامتی یا اخلاق نوجوانان زیان آور است، سن کار، باید ۱۸ سال تمام باشد

ماده ۸۴ - در مشاغل و کارهائی که بعلت ماهیت آن یا شرایطی که کار در آن انجام میشود برای سلامتی یا اخلاق کارآموزان زیان آور است، حداقل سن کار ۱۸ سال تمام خواهد بود . تشخیص این امر با وزارت کار و امور اجتماعی است.

ملاحظه فرمودید که در رژیم ملایان حاکم بر ایران هم قانون کار وجود دارد، هم چند ماده ای از این قانون در باره ی کار کودکان است! با وجود این، حداقل تعداد ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار کودک در ایران مشغول به کار هستند. و این بیانگر این واقعیت مملوس و تلخ است که تمام این مقررات و قوانین، چون دیگر قوانین موجود در ایران، از قانون اساسی گرفته تا بقیه، صرفاً سیاه بر روی سفیدند و نمایشی، و بهمین نسبت، تعهدات بین المللی و پذیرش منشورهای سازمان ملل و دیگر نهادهای دفاع از حقوق بشر و کودک رژیم نیز ظاهر سازی و عوامفریبی محض است.

نکته ی قابل توجه دیگر، اینکه کلیه ی قوانین و مقرراتی که توسط پارلمان ها، ارگان ها و نهادهای وابسته به طبقه ی سرمایه دار، پیرامون منع کار بردگان خرد وضع شده و می شوند، چه در مقیاس داخلی و چه در سطح بین المللی، هیچکدام نتوانسته و نمی توانند مانعی در راه استفاده از نیروی کار ارزان قیمت بردگان خرد که هر روز بر تعدادشان افزوده می شود ایجاد نمایند! زیرا طبقه ی سرمایه دار و قانون گذاران جیره خوار و مزدورش، در تبصره ها و متمم هایی که وضع می کنند، راه

فراری برای استثمار و بهره‌کشی‌های ظالمانه‌ی خود تعبیه می‌نمایند!

مقررات و قوانین بین‌المللی و منطقه‌ای، تا آن زمان مورد استفاده و استناد دولت‌های حامی سرمایه‌اند، که برای طبقه بهره‌کش سود آور باشند و کوچکترین خدشه‌ای به منافع سرمایه‌وارد نسازند! سرمایه‌خدای مطلق و تام‌الاختیار نیست که هیچگونه عدالتی را بر نمی‌تابد و عقیده و دین و آئینی را که بر خلاف جهت منافعش حرکت نماید تحمل نمی‌نماید!

در تاریخ ۸ نوامبر ۲۰۰۴ میلادی، اعضای هیئت مدیره کانون حقوق کودکان ایرانی، طی نامه‌ای وضعیت نابسامان و اسف‌انگیز کودکان ایرانی را به آقای کوفی عنان، دبیر کل وقت سازمان ملل متحد در نیویورک گزارش کرد. عین این نامه را در اینجا می‌آورم.

**نامه‌ی اعضای هیئت مدیره کانون حقوق کودکان ایرانی به
کوفی عنان
درباره نقض حقوق کودکان در ایران**

عالی‌مقام، آقای کوفی عنان
دبیر کل محترم سازمان ملل متحد
در آستانه‌ی سالروز تصویب «اعلامیه حقوق کودک» یعنی ۲۰
نوامبر ۱۹۸۹ هستیم. نگاهی گذرا به زندگی کودکان و نوجوانان
در ایران، نمایانگر این واقعیت تلخ است که کودکان ایران، از
بسیاری از حقوق فردی و اجتماعی خود، مندرج در آن پیمان
ارزشمند و بنیادین محروم هستند. عالی‌مقام؛
همان‌گونه که آگاه هستید، بند الف اصل ۳۷ پیمان حقوق کودک،
به صراحت اعلام نموده است که هیچ کشوری حق ندارد کودکان

را در معرض مجازات‌های شاق و شکنجه قرار دهد و نباید کودکان به زندانهای درازمدت و تمام عمر بدون احتمال آزادی و یا اعدام محکوم شوند. با این که جمهوری اسلامی ایران این پیمان نامه را در سال ۱۳۷۳ امضا نموده است، در بسیاری از مواقع از اجرای آن سرباز زده و به مواد آن پایبند نبوده است. در حالی که قوانین مدنی ایران، شرط لازم سنی برای معاملات بازرگانی، خرید و فروش و امضا و اجرای هرگونه قراردادی را ۱۸ سال تعیین کرده است، قوانین جزایی کشور، با استناد به احکام و قوانین شرعی، سن مسئولیت کیفری را برای کودکان دختر ۹ سال و برای پسران، ۱۵ سال یعنی سن بلوغ جسمانی مبتنی بر شرع تعیین کرده است و این کودکان که خود قربانیان شرایط اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی خانواده و جامعه هستند، در حالی که مراحل بلوغ شخصیت روانی و تکامل اجتماعی را طی نکرده‌اند، برای جرائمی که مرتکب می‌شوند، مسئول شناخته شده و با کیفرخواست‌ها و تنبیه‌هایی روبرو می‌شوند که به دور از طبقه بندی سنی آنان و برخلاف موازین بین‌المللی حقوقی و کیفری و پیمانی حقوق کودک است. بسیاری از این کودکان، برای جرمی که در کودکی مرتکب می‌شوند، در زندان‌ها نگهداری می‌شوند تا پس از رسیدن به سن ۱۸ سال اعدام شوند. عالیمقام؛ در ماه گذشته، شمار زیادی از کوشندگان حقوق بشر، نویسندگان، حقوقدانان و سازمان‌های غیردولتی و پشتیبانان حقوق کودک در ایران، طی نامه‌ی سرگشاده‌ای از شورای عالی قضایی جمهوری اسلامی ایران، خواستار جلوگیری از صدور و اجرای این گونه احکام شدند و شورای عالی قضایی آن را به مجلس هفتم شورای اسلامی ایران برای بازبینی و تغییر مواد قانون، ارجاع نمود و آن را در حیطه‌ی وظایف مجلس دانست. از این روی، ما؛ اعضای هیئت مدیره کانون حقوق کودکان

ایرانی و امضاءکنندگان پشتیبان این نامه، از شما تقاضا می‌نماییم که در اجرای وظیفه و مسئولیت خطیری که جامعه‌ی ملل بر دوش شما گذاشته است، مجلس شورای اسلامی ایران را نسبت به بازبینی و تغییر قانون مجازات کیفری در مورد کودکان ترغیب نموده و دیوان عالی قضایی جمهوری اسلامی ایران را از صدور و اجرای این احکام که برخلاف مفاد پیمان حقوق کودک است بازدارید و نسبت به اجرای مفاد پیمان حقوق کودک، از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران، پافشاری نمایید. جناب آقای کوفی عنان، چشم امید کودکان و نوجوانان ایرانی به اراده و تصمیم و پافشاری شما در اجرای قوانین بین‌المللی کودک دوخته شده است، آنان را یاری نمایید.

اعضای هیئت مدیره کانون حقوق کودکان ایرانی

امریکا - ۸ نوامبر ۲۰۰۴

مهدخت صنعتی، ژیل کاشف، آذر ظهرابی، فرح معصومی، رضاگوهرزاد، محمدحقانی، بیژن پیرزاده



پس از گذشت سال ها و این همه گزارش که از وضعیت فاجعه بار کودکان و نقض آشکار حقوق اولیه شان، در جمهوری جهل و جنایت منتشر شده، چه نتیجه ای به دست آمده است و چرا؟

زیرا نظام سرمایه داری و جهان به اصطلاح متمدن و صنعتی، همه ی تبهکاری ها و ویرانگری های دستگاه خلیفه گری شیعه را در راستای رضایت خدای سرمایه و خدمتگزاری به سرمایه داری جهانی ارزیابی نموده و می نماید!

اگر که انقلاب مستضعفین، حکومت عدل علی، جامعه ی بی طبقه ی توحیدی و شعارهای « مستضعفین وارث زمین اند»، « یا کوخ نشینان بر کاخ نشینان ارجحیت دارند»، همه و همه یک شبه رنگ می بازند و رهبر مستضعفان عالم و مجموعه ی ارتجاع اسلامی، پیشانی بر حریم کبرایی سرمایه می مالند، جهنم واقعی مستضعفان و توده ی زحمت را بر پا و در تداوم حمایت های بی دریغ و همه جانبه ی خود از طبقه استثمارگر و بهره کش، آنچنان شرایط مناسبی فراهم می نمایند که این طبقه ی انگل و زالو صفت، ضمن سرکوب بیرحمانه ی طبقه ی کارگر، بیکار نمودن زحمتکشان و ... قادر باشد در ابعادی میلیونی، نیروی کار کودکان، این کارگران کم توقع و بی دردمس را، ارزان و مفت بخرد و با استثمار شدید این بردگان خرد و کم سن و سال، بر سود های باد آورده و آزمندانه ی خود بیفزاید، بدین خاطر است که خدایی جز سرمایه را بنده و عبد نیستند!

سرمایه داران بی آرم، با همه ی ادعاهای مسلمانی و برخورداری از شرف انسانی، در بیشتر موارد، با تهدید به بیکاری و اخراج، از این بردگان خرد کار اضافی می کشند. تمام یا قسمتی از مزدش را به بهانه های واهی، از قبیل بازیگوشی موقع کار و غیره نمی دهند! او را با بیرحمی تنبیه

بدنی می‌کنند. و از همه فاجعه بترتر آنکه وی را مورد آزار و سوء استفاده جنسی قرار می‌دهند. این سرنوشت غم‌انگیز کودکانیست که در کارگاه‌های صنعتی، مکانیکی‌ها و تعویض روغنی‌ها، کارگاه‌های قالی‌بافی، کوره‌های آجر پزی و غیره اشتغال دارند! جماعت دیگری از این بردگان خرد، جذب باندهای انگل و پارازیتی می‌افتند که از آنان در زمینه‌های گدایی، پخش و حمل مواد مخدر، فروش اجناس قاچاق و ممنوعه، دزدی و جیب‌بری و حتی روسپیکری و خودفروشی سئو استفاده می‌نمایند! خبرگزاری ایسنا در تاریخ سوم بهمن ماه ۱۳۸۲ به نقل از دکتر نادری، کارشناس مسئول گروه درمان دفتر پیشگیری از اعتیاد سازمان بهزیستی، مدعی می‌شود که:

« اغلب کودکان مورد استفاده در تکدیگری معتادند! »



دکتری نادری به خبرنگار خبرگزاری ایسنا گفت:

« اغلب کودکانی که به دلیل برخوردار نبودن از سیستم حمایتی، برای مقاصد نظیر تکدیگری در خیابانها مورد

سوءاستفاده قرار می‌گیرند، معنادار هستند و یا وادار به اعتیاد می‌شوند.»

وی با اشاره به این که آمار کشوری در خصوص درصد اعتیاد یا تعداد کودکان معنادار وجود ندارد، اظهار کرد:

« تنها آمار موجود در این زمینه مربوط به مراجعه کنندگان درمانگاه‌های ترک اعتیاد سازمان بهزیستی است.»

وی افزود:

« بر اساس آمار سال ۱۳۸۰، ۲ دهم درصد مراجعه کنندگان

به ۸۵ مرکز درمان دولتی سرپایی را معنادار پایین تر از ۱۵

سال تشکیل می‌دادند. در این سال حدود ۳۰ هزار معنادار برای

درمان به مراکز دولتی موجود مراجعه کرده‌اند که در صورت

احتساب ۳ میلیون نفر تعداد کل معنادار، این رقم، تنها یک

درصد کل معنادار است.»

کارشناس مسئول گروه درمان دفتر پیشگیری از اعتیاد سازمان

بهزیستی خاطرنشان کرد:

« طبق این آمار و احتساب ۲ دهم درصد ۳۰ هزار نفر، تنها

۶۰ کودک معنادار در سال ۸۰ برای درمان به مراکز بهزیستی

آورده شده‌اند.»

این مسئول، جرم به حساب آوردن تکدیگری کودکان و

وادارندگان آنها به اعتیاد به عنوان ضروری‌ترین اقدام برای

جلوگیری از اعتیاد کودکان را خواستار شد و افزود:



« کودکان معتاد از حمایت خانوادگی خوبی برخوردار نبوده و کمتر برای درمان به مراکز درمانی آورده می‌شوند. به همین دلیل درصدی که به درمانگاه‌های بهزیستی مراجعه کرده‌اند، از آمار موجود کودکان معتاد بسیار کمتر است و به هیچ وجه، نمی‌توان از روی درصد موجود تخمین زد که چه تعداد کودک معتاد در کشور وجود دارد.»

دکتر نادری در بیان علت پایین‌بودن آمار مراجعه‌کنندگان کودکان معتاد تاکید کرد:

« از آن جا که این کودکان معمولاً در خانواده‌های معتاد یا بی سرپرست به جهت مقاصدی نظیر تکدیگری و قاچاق مواد مخدر، معتاد شده‌اند و با توجه به این که در حال حاضر معتاد کردن کودکان به منظور استفاده از آنها در قاچاق و انتقال مواد مخدر به دلیل احتمال مظنونیت و خطر کمتر برای قاچاقچیان، رو به افزایش است، کسی این کودکان را برای درمان و ترک به مراکز نمی‌آورد.»

کارشناس مسئول گروه درمان دفتر پیشگیری از اعتیاد سازمان بهزیستی، عمده‌ترین مواد مخدر مورد استفاده کودکان معتاد را «حشیش» دانست و اظهار کرد:

« در حال حاضر، استفاده از حشیش بیشتر در سنین مدارس و رو به رشد بوده و به دلیل بی‌اطلاعی خانواده‌ها و تصور این کودکان مبنی بر این که حشیش، اعتیادآور نیست، اصولاً

مراجعات به مراکز برای درمان نیز بسیار کم است؛ به نحوی که در سال ۸۰، تنها ۴ دهم مراجعه کنندگان به ۸۵ مرکز درمان سرپایی دانش‌آموز و ۶ دهم دانشجو بوده‌اند.»

وی شیوه‌های درمانی کودکان معتاد را همانند درمان اعتیاد بزرگسالان خواند و گفت:

«سم زدایی و درمان دارویی برای تمامی معتادان یکسان بوده اما در مورد کودکان، نحوه تجویز دارو و شیوه کار متفاوت است و اصولاً استفاده از داروهایی که قدرت اعتیادآوری بالایی دارند، کمتر است.»

دکتر نادری با تأکید بر ضرورت انجام درمانهای غیردارویی در کودکان بخصوص کودکان معتاد متکدی افزود:

«این کودکان باید با شیوه‌های درمانی شدید اقامتی و TC تحت مراقبت قرار گیرند، چرا که کودکان در سن مدرسه را می‌توان در مراکز سرپایی درمان کرد، اما درمان کودکان در سنین پایین‌تر باید غیردارویی و به جهت طول مدت درمان در مراکز TC صورت گیرد.»

به اعتقاد وی درمان اجتماع‌مدار (TC) کودکان از ضروری‌ترین اقدامات برای جلوگیری از اعتیاد و حمایت کودکان معتاد بوده که باید این مراکز سازمان‌یافته‌تر و با قوانین متفاوت از سایر TC ها عمل کنند. کارشناس مسؤول گروه درمان دفتر پیشگیری از اعتیاد سازمان بهزیستی با اشاره به وجود ۲۰ مرکز درمان اجتماع‌مدار (TC) برای بزرگسالان معتاد کشور افزود:

«اکنون یک مرکز TC مخصوص زنان در مازندران وجود دارد و بقیه مراکز برای درمان مردان بزرگسال است؛ اما TC مخصوص کودکان وجود نداشته و بعلاوه بودجه‌ها به اندازه‌ای کم است که نمی‌توان برای احداث آنها اقدام کرد. بر این اساس

ایجاد TC های مخصوص کودکان به جهت اهمیت و شدت تخریب جسمی و روحی کودکان معتاد بسیار لازم است.»
وی نابسامانی‌های خانوادگی، آرام نبودن محیط خانه، نداشتن ارتباط سالم و خوب با والدین، فرانگرفتن آموزش مهارت‌های زندگی، معتاد بودن افراد خانواده و اطرافیان و از بین رفتن زشتی این عمل را از عمده علل اعتیاد کودکان بیان و خاطرنشان کرد:

« در جایگاه حقیقی خود، معتقدم که قوانین حمایتی کودکان در جامعه نه تنها کافی نبوده، بلکه بسیار ضعیف است؛ درحالی‌که در کشورهای دیگر قوانین محکمی در این زمینه وجود دارد که حتی به والدین اجازه تعدیل حقوق کودک را نیز نداده و اگر والدین واجد شرایط نگهداری باشند، کودکان در مکان‌هایی با بهترین سیستم‌های حمایتی نگهداری می‌شوند.»

مردم رنج کشیده ی ایران، توده های کار و زحمت و در نهایت بردگان خرد سال این سرزمین در میان دو تیغه قیچی سرمایه داری جهانی و استثمارگران و چپاولگران داخلی که همانا پادوهای نظام غارتگر سرمایه داری اند، گرفتار آمده اند.
آنچه در ایران امروز تحت عنوان اسلام فقهاتی و دستگاه خلیفه گری شیعه فرمانروایی می کند، خشن ترین و ضد انسانی ترین نوع دیکتاتوری موجود در طول تاریخ بشری است!



حکومتی است بر پایه ی عوامفریبی، چپاول، رشوه خواری، دروغ، دزدی، وطن فروشی، تجارت دختران و زنان جوان، توزیع و پخش مواد مخدر، سرکوب و شکنجه و اعدام، ترور، سنگسار، حد و تعزیر، قصاص و هر پدیده و مستمسک نامیمون و ضد بشری ای که سبب ساز تحقیر، توهین و نابودی کشور و ملت گردد!

تبهکاران و جنایتکارانی که مصدر امورند و بر هفتاد میلیون انسان دردمند فرمان می رانند، خادمان خدای سرمایه اند که خواست و سیاست های بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و نظام خونخوار سرمایه داری و صهیونیسم بین المللی را زیر پوشش ارزش های دین و مذهب و عمود اسلام، بیرحمانه بر سر و پیکر مجروح ملت فرود می آورند!

بر همگان روشن است که این دیوسیرتان آدمی نما، تا به امروز کوچکترین قدمی در راه حل معضل کودکان کار و خیابانی بر نداشته و بر نخواهند بر داشت!

در حالیکه از حال و روز این بردگان خُرد و رشد روز افزون آنان کاملاً آگاهند و در موقع ضرور از وجودشان بهره برداری های سیاسی و عوامفریبانه ی خود را به نحو احسن می نمایند! به گزارش خبرگزاری فارس، **مجید نصیرپور**، نایب رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس شورای ملایان، معضل کودکان کار را تهدیدی برای آینده نظام ارزیابی کرده و گفته است: **«مجلس آماده است فعالیت کودکان کار را محدود کند.»**

محدود کند! نه حل و یا چاره اندیشی کند!

مجید نصیرپور، در گفتگو با خبرنگار فارس در تبریز افزود:
« تداوم وضعیت کنونی کودکان کار می‌تواند آسیب‌های
جبران‌ناپذیری به آینده کشور وارد کند.»
وی از معضل کودکان کار به عنوان يك آفت اجتماعی یاد کرد و
اظهار داشت:

« براساس آمارهای موجود، يك میلیون و ۳۰۰ هزار نفر از
جمعیت کشور را کودکان کار تشکیل می‌دهد که تقریباً ۳۰۰
هزار نفر از آنان، کودکان دختر هستند.»
نصیرپور این آمار را آماری تهدید کننده قلمداد کرد و اظهار
داشت:

« اگر این تعداد كودك بدون فراگیری آموزش‌های لازم به
عنوان نیروی کار در جامعه فعالیت داشته باشند، سال‌ها بعد با
انبوهی از کودکان بی‌سواد و آموزش ندیده مواجه خواهیم
شد.»

وی تاکید کرد:

« دولت و حاکمیت موظف است طبق قانون، آینده تمام
شهروندان ایرانی از جمله کودکان را تامین کند تا آنان بتوانند
نقش ملی خود در عرصه‌های مختلف را به نمایش بگذارند.»
نصیرپور بر ضرورت برنامه ریزی برای رفع این معضل
اجتماعی تاکید و خاطر نشان کرد:

« مجلس شورای اسلامی آماده است با حساسیت خاصی
اقدامات لازم برای وضع قوانینی که کار کودکان در
وضعیت‌های دشوار را ممنوع سازد انجام دهد.»
نماینده سراب و مهربان در مجلس شورای اسلامی با اشاره به
محدودیت‌های مجلس در وضع قوانینی که برای دولت بار مالی
به دنبال دارد، تصریح کرد:

« بهتر است دولت با اتخاذ تدابیر اصولی و دقیق در این زمینه اقدام کرده و نقش خود در سیر قانونگذاری را ایفا کند ».

ایشان خوب می دانند که دولت، دولت امام زمان است. و سال ها و قرن ها به طول می انجامد تا حضرتشان شال و کلاه بفرمایند و نه از چاه سامره، بلکه از یکی از دو چاه جمکران ظهور نمایند و سپس به حل این معضل اجتماعی بپردازند! با این پیش شرط که همچون حضرت امام خمینی، رهبر مستضعفین جهان و اعوان و انصار روحانیان در زنبیل نظام سرمایه داری نیفتند و مرید و ثناگوی سرمایه نشوند!

برای حل این معضل عظیم اجتماعی می بایست حقوق ملت را به ملت مسترد داشت! باید عدالت اجتماعی را ساری و جاری نمود و فقر و تنگدستی را از بین برد. اقدامی که در برنامه ی چپاولگران و زالوهای خوش علف وابسته به دستگاه خلیفه گری نبوده و نخواهد بود! مادام که این نظام سفله پرور، سفاک، جنایتکار، ضد بشری، ویرانگر و آدمکش و کارگر ستیز بر سر کار است، فقر و تنگدستی، اعتیاد، فحشاء و هزاران نکبت و ادبای اجتماعی دیگر از جامعه ما نه تنها ریشه کن نخواهد شد، بلکه روز به روز نیز بر ابعاد فاجعه بارش افزوده خواهد شد! زمانی که بساط فرعونى روحانیون وابسته به دستگاه خلیفه گری شیعه و سلطه خدای سرمایه برچیده و حاکمیت به دست توده های مردم سپرده شود، نه تنها شاهد اجرای عدالت اجتماعی و اقتصادی و ریشه کن شدن فقر و تنگدستی خواهیم بود، بلکه لبخند شادی و سرور را بر لبان خیل بردگان خرد میهنمان شکوفا خواهیم دید.

به امید هشیاری، همدلی و اتحاد مردمی و دیدن آن روز!